

یکصد و پنجاه درس زندگی

محتوای این کتاب

درس اول

اندیشه، تدبیر، تفکر

درس دوم

پیمانه تدبیر

درس سوم

در غذای جسم سختگیرند اما...

درس چهارم

نقش قلم

درس پنجم

در میان دو مسؤولیت بزرگ

درس ششم

عوامل نابودی جامعه

درس هفتم

تنبلی و فقر

درس هشتم

باران دانش بر دل ها

درس نهم

سرچشمه تکبر

درس دهم

سه چیز با ارزش در پیشگاه حق

درس یازدهم

شهادت حسین(علیه السلام)

درس دوازدهم

دو نشانه مسلمان واقعی

درس سیزدهم

آتش خشم!

درس دهم

منابع ثروت

درس پانزدهم

بدترین پیشه ها

درس شانزدهم

امارت و اسارت!

درس هفدهم

ریاکاری و خودنمایی

درس هیجدهم

حسد

درس نوزدهم

دور افتادگان از رحمت خدا

درس بیستم

بدترین دوستان

درس بیست و یکم

تکمیل کارها

درس بیست و دوم

برنامه های جاویدان

درس بیست و سوم

شدیدترین مجازات

درس بیست و چهارم

بلای قرض

درس بیست و پنجم

زندگی اجتماعی سالم

درس بیست و ششم

کلید بدبختی ها

درس بیست و هفتم

نشانه های انسان های بهشتی

درس بیست و هشتم

نشانه های منافق

درس بیست و نهم

پند

درس سی ام

سخن و سکوت

درس سی و یکم

لذت بخشش

درس سی و دوّم

زهد به معنای واقعی

درس سی و سوّم

همردیف شهیدان

درس سی و چهارم

بهترین مردم

درس سی و پنجم

عبادت آزادگان

درس سی و ششم

آنچه پشت را می شکند

درس سی و هفتم

پاکیزه باش

درس سی و هشتم

سرانجام جهل

درس سی و نهم

ارکان هدایت

درس چهلم

نوحه گری جاهلیت

درس چهل و یکم

همه روز محاسبه کن

درس چهل و دوّم

آثار ایمان سخت تر از آهن

درس چهل و سوّم

حقیقت توحید و عدل الهی

درس چهل و چهارم

چند نشانه ایمان

درس چهل و پنجم

دنیا هدف نیست، وسیله است

درس چهل و ششم

بهای انسان

درس چهل و هفتم

حق و باطل

درس چهل و هشتم

پر ارزش ترین میراث عرب

درس چهل و نهم

من از آنها بیزارم

درس پنجاهم

تلاش عاجزان

درس پنجاه و یکم

نشانه های ستمگر

درس پنجاه و دوّم

درد بی درمان وجود ندارد

درس پنجاه و سوّم

چرا نعمت ها از بین می روند؟

درس پنجاه و چهارم

شهادت و پاکی

درس پنجاه و پنجم

عاشقان جانباز

درس پنجاه و ششم

خردمند و بی خرد

درس پنجاه و هفتم

دینداران واقعی کمند

درس پنجاه و هشتم

عدالت در میان فرزندان

درس پنجاه و نهم

همواره تحت مراقبت هستی

درس شصتم

نه چاپلوسی نه حسد

درس شصت و یکم

در خدمت برادران باش

درس شصت و دوّم

اشتباه در زندگی

درس شصت و سوّم

اسلام جهانگیر می شود

درس شصت و چهارم

هیچ گناهی را کوچک نشمر!

درس شصت و پنجم

برتری دانش

درس شصت و ششم

حقوق متقابل

درس شصت و هفتم

در راه اطاعت خرج کن تا خرج گناه نکنی!

درس شصت و هشتم

بزرگترین بازار تجارت

درس شصت و نهم

بلند پایه ترین مردم

درس هفتادم

سه اصل مهم اجتماعی

درس هفتاد و یکم

تندخویی و شتاب زدگی

درس هفتاد و دوّم

زاهدان واقعی

درس هفتاد و سوّم

آزمون شخصیت

درس هفتاد و چهارم

برنامه صحیح برای دنیا و آخرت

درس هفتاد و پنجم

اثر گناه

درس هفتاد و ششم

شیعه واقعی

درس هفتاد و هفتم

با چه کسی مشورت کنیم؟

درس هفتاد و هشتم

بالاترین نعمت ها

درس هفتاد و نهم

امام غائب(علیه السلام)

درس هشتادم

پای هر سخن منشین!

درس هشتاد و یکم

شیطان صفتان

درس هشتاد و دوّم

عید واقعی

درس هشتاد و سوّم

سرمایه های ارزشمند

درس هشتاد و چهارم

دو چیز مایه هلاکت مردم است

درس هشتاد و پنجم

کار خوب کم نیست

درس هشتاد و ششم

خطا مکن و عذر خواه

درس هشتاد و هفتم

بدترین طرز زندگی

درس هشتاد و هشتم

وعده های ما بدهی ماست

درس هشتاد و نهم

اموال حرام

درس نودم

تا می توانی از کسی چیزی نخواه!

درس نود و یکم

وای بر چنین کسی!

درس نود و دوّم

حل مشکل از گناه نخواه!

درس نود و سوّم

از خود راضی ها!

درس نود و چهارم

خویشاوندان دور و نزدیک

درس نود و پنجم

ترک عادت

درس نود و ششم

حماسه کربلا

درس نود و هفتم

عاقل کیست؟

درس نود و هشتم

علت دشمنی

درس نود و نهم

غیرتمندان

درس صدم

یک موجود پر برکت

درس صد و یکم

بهترین دست ها

درس صد و دوم

بدتر از مرگ

درس صد و سوم

فرق میان مؤمن و منافق

درس صد و چهارم

بهترین میراث

درس صد و پنجم

احترام به آزادی فکر

درس صد و ششم

این شش صفت در مؤمنان نیست

درس صد و هفتم

همه پیوندها را قطع مکن

درس صد و هشتم

عبادت واقعی

درس صد و نهم

عیب خود را فراموش نکن

درس صد و دهم

شکنجه بزرگ

درس صد و یازدهم

طراوت قرآن

درس صد و دوازدهم

از هواپرستی بترس!

درس صد و سیزدهم

تنها راه شیعه بودن

درس صد و چهاردهم

تناسب ثروت ها و مصرف ها!

درس صد و پانزدهم

راستگوترین و داناترین

درس صد و شانزدهم

زندگی ساده و همکاری در اداره خانه

درس صد هفدهم

یک ساعت دادگری

درس صد و هجدهم

طیب حقیقی

درس صد و نوزدهم

جانشینان پیامبر

درس صد و بیستم

مجلس گناه

کارهای تولیدی انجام دهید

درس صد و بیست و دوّم

بلندی و کوتاهی عمر

درس صد و بیست و سوّم

همکاری با شیطان!

درس صد و بیست و چهارم

مشورت کنید تا هدایت شوید!

درس صد و بیست و پنجم

سلام، درود اسلامی

درس صد و بیست و ششم

جدایی عقیده از عمل!

درس صد و بیست و هفتم

مجازات های خدا!

درس صد و بیست و هشتم

یک حقیقت فراموش شده

درس صد و بیست و نهم

جایگاه علم و حکمت

درس صد و سی ام

وظایف سنگین امام(علیه السلام)

درس صد و سی و یکم

درهای بسته باز می شود

درس صد و سی و دوّم

از افراد بی شخصیت بترس!

درس صد و سی و سوّم

جهاد بزرگ

درس صد و سی و چهارم

در غیبت مهدی(علیه السلام)

درس صد و سی و پنجم

سرچشمه بدی ها

درس صد و سی و ششم

انجام وظیفه بزرگترین عبادت است

درس صد و سی و هفتم

ساکنان ستارگان

درس صد و سی و هشتم

قرآن و قانون جاذبه

درس صد و سی و نهم

راز کارها!

درس صد و چهلم

جانداران ذره بینی

درس صد و چهل و یکم

فقط نامی از اسلام!

درس صد و چهل و دوم

میزان سنجش عقل و جهل

درس صد و چهل و سوم

بالا تر از نعمت

احیای مکتب اهل بیت

درس صد و چهل و پنجم

امانت در حفظ اسرار

درس صد و چهل و ششم

نشانه ایمان

درس صد و چهل و هفتم

نخستین شرط در هر کار

درس صد و چهل و هشتم

اهمیت میهمان

درس صد و چهل و نهم

احترام و محبت

درس صد و پنجاهم

این چنین برای خود ذخیره کن

یکصد و پنجاه

درس زندگی

محتوای این کتاب

بعد از کتاب الله، قرآن مجید، بزرگترین سرمایه ما، سنت پیامبر(صلی الله علیه وآله) و احادیث ارزنده اهل بیت(علیهم السلام) است، و این همان دو ثقل بزرگی است که بعد از رحلت پیامبر(صلی الله علیه وآله) به یادگار مانده، و دست زدن به دامان آنها مانع گمراهی و ضلالت است.

متأسفانه، این احادیث که اقیانوسی از علوم و دانش هاست، هنوز ناشناخته مانده، چه بسیار از احادیث، که در یک جمله کوتاه آن، در حقیقت کتابی از درس زندگی نهفته شده است، و می تواند عقده گشای انسان امروز در مسائل مختلف بوده باشد.

کتابی که هم اکنون در دست شماست، گلچینی از این احادیث، با ترجمه روان و شرح کوتاه است، و نخستین بار در آغاز جلسه بحث و تفسیر که روزهای جمعه، در جلسات «مجمع دین دانش» که در مسجد امام حسین (تهران) تشکیل می شد، هفته ای یک حدیث مطرح می شد و همگی به عنوان یک «درس برای سراسر هفته» از آن استفاده می کردند؛ وعده زیادی از جوانان از پسر و دختر، آنها را حفظ می کردند.

استقبال فوق العاده از این احادیث، سبب شد، که جداگانه چاپ و منتشر گردد. این کتاب کوچک، می تواند نمونه ای از تعلیمات اسلام برای همه آنها، که می خواهند اسلام را با یک مطالعه کوتاه، بهتر بشناسند، باشد.

اما آنچه از همه مهم تر به نظر می رسد، همان پیاده کردن این برنامه ها در متن زندگی و عمل کردن به آن است.

بنابراین بیاید همگی از خدا توفیق بطلبیم که، نخست توفیق فهم و درک صحیح این احادیث، و سپس عمل به آنها را، به ما مرحمت کند.

قم - ناصر مکارم شیرازی

شوال المکرم ۱۳۹۷

درس اول

اندیشه، تدبیر، تفکر

أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَهُُّمٌ

أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَتِهِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ

أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَفَكُّرٌ (۱)

آگاه باشید: دانشی که در آن اندیشه نیست سودی ندارد!

آگاه باشید: تلاوت قرآن که در آن تدبّر نباشد نفعی ندارد!

آگاه باشید: عبادتی که در آن تفکّر نیست بی اثر است!

شرح کوتاه

انباشتن مغز از فرمول های علمی، و قوانین منطقی و اصول فلسفی و هرگونه دانشی مادامی که با اندیشه صحیح، و جهان بینی روشن، و آشنایی با اصول زندگی انسانی، هماهنگ نباشد بسیار کم اثر است.

همان طور که خواندن آیات شریفه قرآن اگر با تدبّر و دقت در عمق معانی آن همراه نباشد تأثیر آن ناچیز است، و عباداتی که نور تفکّر و عقل بر آن نتابد جسمی است بی روح، و فاقد اثر عالی تربیتی است.

۱. از کتاب کافی جلد ۱، صفحه ۳۶ و تحف العقول.

درس دوم

پیمانۀ تدبیر

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

صَلَاحُ حَالِ التَّعَايُشِ وَ التَّعَاشِرِ مِلاَمِكِيَالِ ثُلَاثَاهُ فِطْنَةٌ وَ ثُلَاثُهُ تَغَاْفُلٌ (۱)

ترجمه

اصلاح وضع زندگی و معاشرت با پیمانۀ ای انجام می شود که دو سوّم آن هوشیاری است و یک سوّم آن بی اعتنائی و تغافل!

شرح کوتاه

هیچ کاری بدون مطالعه و نقشه و هوشیاری سر نمی گیرد، همچنین هیچ کاری بدون بی اعتنائی هم به سامان نمی رسد. به تعبیر

بهتر و روشنتر: اگر ما بخواهیم بدون مطالعه و دقت کار کنیم مواجه با شکست خواهیم شد ولی اگر بخواهیم برای تمام احتمالات

ممکن و حوادث پیش بینی نشده به هنگام انجام کارها خود را معطل سازیم به این آسانی قادر بر انجام کاری نیستیم و برای یک

کار باید سال ها مطالعه کنیم، و نیز برای انتخاب دوست و شریک و همسر و مانند آن، لذا فرمود دو سوّم دقت و یک سوّم بی

اعتنائی.

۱. از کتاب تحف العقول، صفحه ۲۶۷.

درس سوم

در غذای جسم سختگیرند اما...

امام حسن (علیه السلام) می فرماید:

عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ، فَيَجْنُبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَيُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ (۱)

ترجمه

عجب دارم از آنها که به غذای جسم خود می اندیشند؛ اما به غذای روح خود نمی اندیشند، خوراک ناراحت کننده از شکم دور می دارند؛ اما قلب خود را با مطالب هلاکت زا آکنده می کنند.

شرح کوتاه

همان طور که پیشوای بزرگ ما فرموده مردم معمولاً در غذای جسمانی خود سختگیرند جز در پرتو نور چراغ دست به سفره نمی برند، و جز با چشم باز لقمه بر نمی گیرند، از غذاهای مشکوک می پرهیزند، و بعضی هزار گونه نکات بهداشتی را در تغذیه جسم رعایت می کنند.

اما در غذای جان، با چشم بسته، در لابه لای ظلمت های بی خبری، هرگونه غذای فکری مشکوکی را در درون جان خود می ریزند، گفتار دوستان نامناسب، مطبوعات بدآموز، تبلیغات مشکوک یا مسموم همه را به آسانی می پذیرند و این جای بسیار شگفتی است.

۱. سفینه البحار ماده طعم.

درس چهارم

نقش قلم

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

مَا رَأَيْتُ بَاكِيًا أَحْسَنَ تَبَسُّمًا مِنَ الْقَلَمِ! (۱)

ترجمه

هیچ گریانی را ندیدم که همچون قلم به زیبایی تبسم کند.

شرح کوتاه

قلم گویای عواطف و ترجمان خرد آدمی است.

قلم بنیان گذار تمدن ها و گرداننده چرخ های جامعه است.

قلم در گریه های مداوم خود شرح دردهای جانکاه انسانها می گوید و در تبسمی که همواره در میان دو لب دارد، نشاط عشق، و شوق حیات، و رمز زندگی و هزار گونه زیبایی نهفته است.

ولی افسوس همین قلم هنگامی که به دست نا اهل افتد از قطره های اشکش، قطره های خون می ریزد و تبسمش نیشخندی است بر عالی ترین ارزش های انسانی!

۱. از کتاب لطایف و ظرایف.

درس پنجم

در میان دو مسؤولیت بزرگ

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

الْمُؤْمِنُ بَيْنَ مَخَافَتَيْنِ: ذَنْبٌ قَدْ مَضَى لَا يَدْرِي مَا صُنِعَ اللَّهُ فِيهِ وَ عُمْرٌ قَدْ بَقِيَ لَا يَدْرِي مَا يَكْتَسِبُ فِيهِ (۱)

ترجمه

انسان با ایمان همواره از دو چیز نگران است از گناهان گذشته خود که نمی داند خدا با او چه رفتار می کند، و از عمر باقیمانده که نمی داند خود چه خواهد کرد!

شرح کوتاه

بارزترین نشانه ایمان، احساس مسؤولیت است، احساس مسؤولیت در برابر اعمالی که انجام داده و احساس مسؤولیت در برابر وظایف و تکالیفی که در پیش دارد.

آن کسی که این دو احساس را دارد همواره به فکر جبران کوتاهی های گذشته است؛ و همچنین در فکر پیدا کردن بهترین راه ممکن برای استفاده از فرصت های باقیمانده، و این هر دو رمز تکامل و پیشرفت یک انسان با یک ملت است، مردمی که نه به اعمال گذشته می اندیشند و نه به فکر ساختن آینده اند، افرادی بینوا و بدبختند.

۱. اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۷.

درس ششم

عوامل نابودی جامعه

أَرْبَعٌ لَا يَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهَا إِلَّا خَرِبَ وَلَمْ يَعْمُرْ بِالْبِرِّكَه: الْخِيَانَةُ وَالسَّرِقَةُ وَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ الزَّانَا (۱)

ترجمه

چهار چیز است که اگر یکی از آنها در خانه ای وارد شود، ویران می گردد و برکت خدا آن را آباد نمی کند:

خیانت، دزدی، شرابخوری، و عمل منافی عفت!

شرح کوتاه

نه تنها خانه ها، که اجتماعات نیز از این قانون بر کنار نیستند:

هنگامی که خیانت در اجتماعی نفوذ کند روح اعتماد از آن برچیده می شود.

و هنگامی که سرقت در اشکال مختلف در آن راه یابد آرامش از آنها رخت بر می بندد.

و هنگامی که میگزاری در میان آنها رایج گردد، افکاری ناتوان و فرزندانی معلول و جوانانی بی اثر خواهند داشت.

و هنگامی که دامان آنها آلوده بی عفتی گردد بنیان خانواده ها متزلزل خواهد گشت، و نسل آینده آنها به فساد کشیده خواهد شد.

۱. از نهج الفصاحه.

درس هفتم

تنبلی و فقر

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا ازْدَوَجَتْ إِزْدَوَجَ الْكَسَلُ وَالْعَجْزُ فَتَنَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرَ (۱)

ترجمه

آن روز که همه چیز با هم ازدواج کردند «تنبلی» و «ناتوانی» به هم آمیخته و از آن دو فرزنی به نام «فقر و تنگدستی» متولد شد!

شرح کوتاه

همه چیزی در پرتو سعی و کوشش به دست می آید این حقیقتی است که اسلام به ما آموخته.

تنبلی، سستی، ناتوانی، و فرار از برابر حوادث سخت و مشکلات، چیزی است که با روح ایمان هرگز سازگار نیست.

اینها مولودی جز فقر، فقر در همه جهات، فقر اقتصادی و اخلاقی و معنوی نخواهد داشت، در حالی که مردم با ایمان باید در تمام

جهات متکی به خود و بی نیاز باشند.

۱. بحارالأنوار، جلد ۷۸، صفحه ۵۹ و تحف العقول، صفحه ۱۵۸.

درس هشتم

باران دانش بر دل ها

لقمان حکیم می گوید:

يَا بَنِيَّ إِنَّ يُّحْيِي الْقُلُوبَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ كَمَا يُّحْيِي الْأَرْضَ بِوَابِلِ السَّمَاءِ (۱)

ترجمه

فرزندم! خدا دل های آدمیان را با نور دانش زنده می کند، آن سان که زمین های مرده را با باران های پر برکت آسمان!

شرح کوتاه

سرزمین دل انسان همچون باغستانی است که انواع نهال ها و بذرهای گلها و گیاهان و درختان برومند در آن پاشیده شده است، که اگر بموقع آبیاری شود محیطی پر طراوت و پر ثمر به وجود خواهد آورد.

تنها وسیله آبیاری این سرزمین قطرات زنده کننده باران علم و دانش است. و به همین دلیل دل های بی دانشان دل هایی است مرده، بی فروغ و بی ثمر.

همیشه، و در هر حال، جان خود را با نور دانش زنده نگهداریم.

۱. از کتاب بحار الانوار، جلد ۱.

درس نهم

سرچشمه تکبر

از امام صادق(علیه السلام) نقل شده:

مَا مِنْ رَجُلٍ تَجَبَّرَ أَوْ تَكَبَّرَ إِلَّا لِدَلَّةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ (۱)

ترجمه

هیچ کس بر دیگران بزرگی نمی فروشد مگر به خاطر حقارتی که در درون وجود خود احساس می کند!

شرح کوتاه

این نکته امروز در پرتو تحقیقات روانشناسی و روانکاوی مسلم شده است که سرچشمه تکبر و بزرگی فروختن بر دیگران چیزی جز عقده حقارت نیست؛ آنها که مبتلا به این عقده هستند و از آن رنج می برند برای جبران کمبودهای خود متوسل به این وسیله غلط یعنی خود را به طور مصنوعی بزرگ نشان دادن می شوند و از این راه بر حقارت اجتماعی خود می افزایند و بیش از پیش خود را منفور می سازند.

این مسأله روانی به روشنی در گفتار معجزه آسایی که در بالا از امام صادق(علیه السلام) نقل شده دیده می شود.

ولی افراد با ایمان بر اثر شخصیت درونی همواره در برابر دیگران متواضعند.

۱. بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۲۲۵.

درس دهم

سه چیز با ارزش در پیشگاه حق

پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

ثَلَاثٌ تَخْرُقُ الْحُجُبَ وَتَنْتَهِي إِلَى مَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ:

صَرِيرُ أَقْلَامِ الْعُلَمَاءِ

وَ وَطْئُ أَقْدَامِ الْمُجَاهِدِينَ

وَ صَوْتُ مَغَازِلِ الْمُحْصَنَاتِ (۱)

ترجمه

سه چیز است که حجاب ها را پاره می کند و به پیشگاه عظمت خدا می رسد:

صدای گردش قلم های دانشمندان به هنگام نوشتن!

و صدای قدم های مجاهدان در میدان جهاد!

و صدای چرخ نخ ریزی زنان پاکدامن!

شرح کوتاه

چه تعبیر عجیب و پر معنا! سه صداست که در اعماق هستی نفوذ می کند و طنین آن تا ابدیت پیش می رود و به پیشگاه عظمت

پروردگار می رسد: آهنگ دانش و قلم، هر چند آهسته و کوتاه باشد، و آهنگ جهاد و فداکاری و آهنگ تلاش و کوشش کار هر

چند به ظاهر کوچک باشد.

و در حقیقت اساس یک اجتماع سربلند انسانی را نیز همین سه چیز تشکیل می دهد، دانش، جهاد، و کار.

۱. از کتاب الشهباب فی الحکم و الاداب، صفحه ۲۲.

درس یازدهم

شهادت حسین(علیه السلام)

پیغمبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَنْ تَبْرُدَ أَبَدًا (۱)

ترجمه

شهادت امام حسین(علیه السلام) در دل های افراد با ایمان آتش و حرارتی ایجاد می کند که هرگز خاموش نخواهد شد.

شرح کوتاه

پیکار خونین در جهان بسیار بوده که با گذشت چند ماه و چند سال به دست فراموشی سپرده شده است و گذشت ماه و سال گرد و

غبار نسیان بر آن پاشیده؛ اما خاطره جانبازی آنان که در راه خدا و آزادی انسانها، در راه شرف و فضیلت همه چیز خود را فدا کردند

فراموش نخواهد شد؛ زیرا، خدا، آزادی، شرف و فضیلت کهنه شدنی نیست؛ امام حسین(علیه السلام) و یارانش سر سلسله این مجاهدان بودند.

۱. مستدرک الوسایل، جلد ۲، صفحه ۲۱۷.

درس دوازدهم

دو نشانه مسلمان واقعی

پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ وَالْمَعْرُوفِ وَطَنَطْنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ (۱)

ترجمه

تنها به زیادی نماز و روزه و حج و نیکی به دیگران و شب زنده داری بعضی نگاه نکنید (اگر چه اینها در مورد خود مهم است) بلکه نگاه به «راستگویی» و «امانت» آنها کنید!

شرح کوتاه

با مطالعه مدارک اسلامی این حقیقت روشن می شود که دو نشانه قطعی مسلمان واقعی این است که «راستگو» و «امین» باشد و با این که عبادات اسلامی همچون نماز و روزه و حج، برنامه های عالی تربیتی هستند، ولی تنها اینها نشانه اسلام نیستند، بلکه باید با راستگویی و امانت تکمیل کردند.

۱. نقل از کتاب سفینه البحار.

درس سیزدهم

آتش خشم!

امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ هَذَا الْعُصْبَ جَمْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تُوقَدُ فِي قَلْبِ ابْنِ آدَمَ (۱)

ترجمه

خشم و غضب شعله سوزان آتشی است از ناحیه شیطان که در درون دل آدمی افروخته می شود.

شرح کوتاه

کمتر اتفاق می افتد که انسان کاری در حال غضب انجام دهد و یا تصمیمی بگیرد و بعد پشیمان نشود؛ زیرا به هنگام افروخته شدن آتش سوزان غضب، عقل و درایت بکلی کنار می رود، و اعصاب و عضلات غالباً در مسیری به حرکت می افتند که جبران خسارت ناشی از آن گاهی در یک عمر هم ممکن نیست!

باید با نهایت دقت و سرعت این شعله شیطانی را به هنگام بروز، محاصره کرده و خاموش کنیم و الا ممکن است خرمن زندگی ما یا انسانهای دیگر را در کام خود فرو برد و بسوزاند.

۱. بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۲۷۸.

درس دهم

منابع ثروت

پیامبر(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

أَطْلُبُوا الرِّزْقَ فِي خَبَايَا الْأَرْضِ (۱)

ترجمه

روزی را در نهانگاه های زمین بجوید

شرح کوتاه

در آن عصر و زمانی که اهمیّت معادن و آنچه در نهانگاه های زمین قرار دارد معلوم نبود، این دستور از طرف پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) صادر شد که مسلمانان اعماق زمین را جستجو کنند و منابع درآمد و آنچه را به زندگی آنها رونق می بخشد از آنجا بیرون کشند، این گونه دستورها هم نشانه ای از عمق تعالیم اسلام است و هم سرمشقی برای تلاش و کوششی به خاطر آبرومند زیستن مسلمانان!

۱. نقل از کتاب نهج الفصاحه.

درس پانزدهم

بدترین پیشه ها

پیغمبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) فرمود:

«شَرُّ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرِّبَا»

امام صادق(صلی الله علیه وآله) فرمود:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاكَ ظَهَرَ فِيهِمُ الرِّبَا (۱)

ترجمه

پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: بدترین کسب ها کسی است که آمیخته با رباخواری باشد.

امام صادق(علیه السلام) فرمود: هنگامی که خداوند بخواهد ملتی را هلاک کند رباخواری در میان آنها آشکار می گردد.

شرح کوتاه

با تمام رونقی که بازار رباخواران در دنیای امروز دارد، و وابستگی خاصی که جهان امروز با رباخواری در اشکال گوناگون پیدا کرده، جای شک نیست که رباخواری نظام مالی و اقتصادی جمعیت ها را ویران می سازد و سبب می شود که ثروت ها به گونه وحشتناکی در دست افراد و مؤسسات معدودی جمع گردد و این تقسیم غیر عادلانه ثروت ها خود سرچشمه انواع بدبختی های اجتماعی و مفسد اخلاقی است.

۱. از کتاب وسایل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۴۲۶ و ۴۲۷.

درس شانزدهم

امارت و اسارت!

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

تَفَضَّلْ عَلَيَّ مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرَهُ

وَاسْتَعْنِ عَمَّنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ

وَافْتَقِرْ إِلَيَّ مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَسِيرَهُ (۱)

ترجمه

به هرکس می خواهی نیکی کن تا امیر او شوی!

از هرکس می خواهی بی نیاز شو تا همانند او شوی!

و به هرکس می خواهی محتاج شو تا اسیر او گردی!

شرح کوتاه

در روابط اجتماعی افراد و ملت ها این قانون با قدرت تمام حکومت می کند که حکومت از آن دست دهنده است، و دست گیرنده

خواه ناخواه زیر دست است، افراد و ملت های نیازمند در واقع بردگانی هستند که فرمان بردگی خود را با ابراز نیاز و احتیاج به

دیگران امضاء کرده اند، مسلمان واقعی کسی است که بکوشد ارتباط اجتماعی خود را با دیگران براساس کمک متقابل قرار دهد نه

یک جانبه، و گرفتن کمک بلاعوض باید مخصوص افراد معلول و از کار افتاده باشد.

۱.

درس هفدهم

ریاکاری و خودنمایی

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

لَا تُرَاءِ بِعَمَلِكَ مَنْ لَا يُحْيِي وَلَا يُمِيتُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئاً (۱)

کارهای نیک خود را به خاطر خودنمایی و نشان دادن به مردمی که نه زندگی به دست آنهاست و نه مرگ و نه قدرت دارند مشکلی را برای تو بگشایند، انجام مده!

شرح کوتاه

مردمی که به تظاهر و ریاکاری عادت می کنند، همه مظاهر زندگی آنها تو خالی و بی مغز می شود: از تمدن، به ظواهر بی روح و از زندگی، به خیالات و اوهام و از سعادت و خوشبختی، تنها به نام و از دین و مذهب، فقط به یک سلسله تشریفات قناعت می کنند و مسلماً بهره مردمی که ظاهر سازند، جز «ظواهر» نیست! به همین دلیل اسلام شدیداً از این صفت زشت انتقاد می کند و می گوید سرنوشت تو به دست این مردم نیست خودنمایی چرا!

۱. بحار الانوار، جلد ۷۲، صفحه ۳۰۰.

درس هیجدهم

حسد

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

الْحَاسِدُ مُضِرٌّ بِنَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ يُضِرَّ بِالْمَحْسُودِ (۱)

ترجمه

شخص حسود پیش از آن که به محسود زیان برساند به خودش ضرر می رساند.

شرح کوتاه

روح حسد این است که انسان نتواند دیگران را در نعمتی ببیند و کوشش کند به نحوی آن نعمت از آنها سلب گردد و یا از طریق دیگری زبانی بر آنها وارد شود.

در واقع حسود همیشه به صورت یک عامل عقب ماندگی فعالیت می کند نه یک عامل پیشرو.

حسد یک بیماری بزرگ اخلاقی است و از نظر روانی حسود بیش از هر کس خودش می سوزد و آب می شود و عقب می ماند و تحقیر می گردد، پس چه بهتر که بکوشد از دیگران پیشی بگیرد نه این که دیگران را به عقب بکشانند.

۱. بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۲۲۵.

درس نوزدهم

دور افتادگان از رحمت خدا

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

ترجمه

کسی که آب و زمین در اختیار داشته باشد و با این حال فقیر و نیازمند گردد از رحمت خدا بدور باد!

شرح کوتاه

از احادیث اسلامی این حقیقت به خوبی به دست می آید که مسلمانان و جهاد باید از تمام منابع مختلف: دامداری، کشاورزی منابع و معادن زیر زمینی، حرفه و صنعت و تجارت برای مبارزه با فقر استفاده کنند، حتی اگر ملتی تنها یکی از این سرمایه ها را در اختیار داشته باشد باید بوسیله این، خلاء اقتصادی خود را پر کند تا چه رسد به این که همه آنها را در اختیار داشته باشد؛ و اگر چنین نکند ملتی نفرین شده و دور از رحمت خدا و روح اسلام خواهد بود، نیاز به دیگران در هر صورت از نظر اسلام محکوم است.

۱. بحارالانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۶۵.

درس بیستم

بدترین دوستان

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید:

شَرُّ إِخْوَانِكَ مَنْ دَاهَنَكَ فِي نَفْسِكَ وَسَاتَرَكَ عَيْبَكَ (۱)

ترجمه

بدترین دوستان تو آنها هستند که با تو مداهنه و چرب زبانی می کنند و عیوب تو را می پوشانند.

شرح کوتاه

گریز از واقعیات و پرده پوشی بر حقایق نه مشکلی را حل می کند و نه خدمتی به کسی محسوب می شود، به همین دلیل دوستانی که به جای انتقاد سازنده و صحیح سعی دارند حقایق را کتمان کنند و برای ارضای کاذب خاطر دوست عیوب او را بپوشانند و یا آن را حسن جلوه دهند نه تنها خدمتی در عالم دوستی و رفاقت نکرده اند، بلکه خیانتی بزرگ مرتکب شده اند؛ خیانتی که گاهی به قیمت حیثیت و آبرو و افتخار و سعادت دوست آنها تمام می شود.

۱. نقل از کتاب غرر الحکم.

درس بیست و یکم

تکمیل کارها

پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) می فرماید:

إِسْتِمَامُ الْمَعْرُوفِ خَيْرٌ مِنْ إِتْدَائِهِ (۱)

تکمیل و ادامه کار نیک از آغاز کردن آن بهتر و مهم تر است

شرح کوتاه

در محیط زندگی اجتماعی غالباً به کارها و اقدامات مفیدی برخورد می کنیم که نیمه کاره مانده است؛ انجام دهندگان آنها تحت تأثیر یک محرک آنی به اصطلاح دامن همّت به کمر زده و مشغول کار شده اند، اما خیلی زود آتش عشق آنها سرد شده و آن را رها کرده پی کار خود رفته اند.

اسلام افراد با ایمان و پشت کرداری را می پسندد که هر عمل مفیدی را شروع می کنند به آخر می رسانند.

۱. نقل از کتاب نهج الفصاحه.

درس بیست و دوّم

برنامه های جاویدان

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ (۱)

ترجمه

خداوند به تمام پیامبران دستور داد که مردم جهان را به راستگویی و ادای امانت دعوت کنند.

شرح کوتاه

یک جامعه سالم متکی به سرمایه های مختلفی است که از همه مهم تر، سرمایه اطمینان و اعتماد عمومی است:

اعتماد بر گفتار، اعتماد بر عمل، و بزرگترین دشمن این سرمایه نفیس دروغ و خیانت است.

در جوامعی که دروغ و خیانت رواج می یابد همه از هم می ترسند، همه احساس تنهایی می کنند، همه باید تمام سنگینی بار زندگی

را به تنهایی تحمل نمایند و این همان اجتماع تنهاییان است.

به همین دلیل دعوت به راستگویی و امانت جزء برنامه همه پیامبران الهی بوده است.

۱. نقل از کتاب سفینه البحار.

درس بیست و سوّم

شدیدترین مجازات

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) می فرماید:

أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا فِي الْقِيَامَةِ عَالِمٌ لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ وَلَمْ يَنْفَعُهُ عِلْمُهُ (۱)

کسی که چیزی را می داند و به آن عمل نمی کند و از دانش خود بهره نمی گیرد، مجازاتش در قیامت از همه شدیدتر است.

شرح کوتاه

از نظر منطق اسلام، دانش همواره ابزاری است برای عمل، برای بهبودی زندگی فرد و اجتماع، و بدون آن ارزشی ندارد.

آنها که ندانسته مرتکب خلافی می شوند مسؤولیت سبکتری دارند، ولی مسؤولیت شدید متوجه آنهاست که می دانند و مرتکب خلاف می شوند، آنها که در آگاه ساختن قشرهای وسیع اجتماع کوتاهی می کنند، و هرکس سهم کوچک یا بزرگی از علم داشته باشد به همان اندازه بار این مسؤولیت بدوش می کشد.

۱. بحارالانوار، جلد ۲، صفحه ۳۸.

درس بیست و چهارم

بلای قرض

إِيَّاكُمْ وَالَّذِينَ فَإِنَّهُ هُمْ بِاللَّيْلِ، وَذُلُّ بِالنَّهَارِ! (۱)

ترجمه

تا می توانید از قرض گرفتن بپرهیزید که، در شب باعث اندوه و در روز موجب ذلت است.

شرح کوتاه

زرق و برق های زندگی مادی و مسابقه تجمل پرستی در عصر ما سبب شده که افراد خود را زیر بار قرض های بی دلیل و بدهکاری های طاق فرسا قرار داده، و به زندگی پر رنج اقساطی تن در دهند.

از آن جا که آدم بدهکار انسان آزاده ای محسوب نمی شود، به ما دستور داده شده تا ضرورت شدیدی ایجاب نکند زیر بار بدهکاری نرویم.

مسأله بدهکاری اگر در سطح کشورها آشکار گردد به همان نسبت خطرش بیشتر و آثار مرگبارتر خواهد بود و به آزادی و استقلال معنوی ملت ها ضربه می زند.

۱. بحارالانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۱۴۱.

درس بیست و پنجم

زندگی اجتماعی سالم

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا حُقُوقَ أَمْوَالِهِمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ (۱)

اگر مردم حقوق یکدیگر را بپردازند و نیازمندی نیازمندان را برطرف سازند، زندگی خوب و رضایت بخشی خواهند داشت.

شرح کوتاه

حدیث بالا که مخصوصاً در مورد زکات مال و تأمین احتیاجات نیازمندان اجتماع وارد شده، به همه هشدار می دهد که ادای حقوق دیگران تنها یک مسأله اخلاقی و انسانی نیست؛ بلکه یک اصل مهم اجتماعی است که آرامش و سلامت اجتماع در گرو آن می باشد.

واکنش های خطرناکی که بر اثر بهره کشی های ظالمانه و استثمار طبقاتی، جوامع امروز را به نابودی تهدید می کند و آرامش را به شکل وحشتناکی بهم می زند، گواه زنده این دستور بزرگ اسلامی است؛ و تا مردم جهان «حق» را مساوی با «زور» می دانند و زورمندان از ادای حقوق واجبی که بر عهده دارند سرباز می زنند، هم خودشان در خطرند و هم جوامع انسانی را بخطر می کشانند.

۱. وسایل الشیعه، جلد ۶، صفحه ۲.

درس بیست و ششم

کلید بدبختی ها

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَجَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ، وَالْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ (۱)

ترجمه

خداوند برای شرور و بدی ها قفل هائی قرار داده که کلید آنها شراب است و دروغ گفتن از شراب هم بدتر است!

شرح کوتاه

بزرگترین و مؤثرترین مانع بر سر راه زشتی ها و بدی ها عقل و خرد است و این قفل محکمی است که بر آنها زده شده، و به هنگامی که قفل «خرد» با کلید «شراب» گشوده می شود همه زشتی ها و بدی ها آزاد می گردند و انسان در حال مستی آلوده هرگونه جنایت و گناه و تبهکاری ممکن است بشود.

ولی اگر آدم «شرابخوار» از روی «جنون مستی» دست به گناه می آید «دروغگو» آگاهانه سازمان زندگی اجتماعی را بهم می ریزد و روح اعتماد را می کشد و سرچشمه انواع گناهان و مفساد می گردد.

پس دروغ از شراب هم خطرناک تر است.

۱. کتاب وسایل الشیعه، جلد ۲، صفحه ۲۲۳.

درس بیست و هفتم

نشانه های انسان های بهشتی

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ لَ هَلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعُ عِلَامَاتٍ: وَجْهٌ مُنْبَسِطٌ وَلِسَانٌ فَصِيحٌ وَقَلْبٌ رَحِيمٌ وَيَدٌ مُعْطِيَةٌ (۱)

ترجمه

بهشتیان چهار نشانه دارند: روی گشاده، زبان گویا و صریح، قلب پر از محبت، و دست دهنده.

شرح کوتاه

اصیل ترین مکتب های انسانی آن است که فرد را در دل اجتماع ببیند و اجتماع را پرورش دهنده افراد ارزنده، زیرا که اجتماع سرچشمه همه برکات معنوی و مادی است.

حدیث بالا که نشانه های مردم سعادت مند و بهشتی را بازگو می کند چهار موضوع را یادآوری کرده که همگی مربوط به استحکام پیوندهای اجتماعی و پاشیدن بذر عواطف انسانی در سرزمین اجتماع است:

روهای گشاده و پر از مهر و صفا، زبان های نرم و محبت آمیز و در عین حال صریح و گویا، قلب هایی که برای انسان ها بتپد، دست هایی که از کمک باز نمی ایستند، آری اینهاست نشانه های انسان های بهشتی!

۱. از کتاب ارشاد القلوب.

درس بیست و هشتم

نشانه های منافق

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

لقمان به فرزندش گفت:

لِلْمُنَافِقِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ:

يُخَالِفُ لِسَانُهُ قَلْبَهُ وَقَلْبُهُ فِعْلَهُ وَعَالِيَتُهُ سِرِّيَّتَهُ (۱)

ترجمه

افراد منافق سه نشانه دارند:

زبان آنها با قلبشان هماهنگ نیست، و قلب آنها با عملشان، و ظاهر آنها با باطنشان.

شرح کوتاه

نفاق و دورویی درد بزرگی است که از کمبود شخصیت و ضعف اراده سرچشمه می گیرد، افرادی که سعی دارند خود را غیر از آن که هستند نشان دهند، و زبان و دل، ظاهر و باطن، و گفتار و کردارشان از هم جداست، مردم ناتوانی هستند که نه شجاعت اظهار

شخصیت واقعی خود دارند و نه اراده و تصمیم کافی برای اصلاح خود، در چهره های مختلف ظاهر می شوند و عملاً با همه کس حتی خودشان خیانت می کنند. و از آنها خطرناکتر جوامعی هستند که ظاهری آراسته و درونی خراب دارند، زبان آنها که همان وسایل ارتباط جمعی شان باشد با آنچه در قلب این جوامع می گذرد مخالف است.

۱. از کتاب بحارالانوار، جلد ۱۵.

درس بیست و نهم

پند

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

إِنِّعْظُوا بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ (۱)

ترجمه

از پیشینیان خود پند و عبرت بگیرید قبل از آن که آیندگان از زندگی و سرنوشت شما عبرت گیرند.

شرح کوتاه

تاریخ پر است از درس های عبرت، پر است از پندها و موعظه ها، سرانجام مظالم، ستم ها، اختلافات و پراکندگی ها، رکودها و تحجرها، بی خبری ها از وضع محیط و زمان، همه در آیینه تاریخ منعکس است. اما علی (علیه السلام) آن ابرمرد تاریخ بشریت به ما هشدار می دهد که شما از وضع زندگی و سرنوشت گذشتگان پند و عبرت بگیرید و نگذارید سرنوشت زشت و شوم شما درس عبرتی برای آیندگان گردد، این دریای خروشان زمان همه را با خود می برد، خوشبخت جمعیتی که به گذشته آن می نگرند و سعادت و نیکبختی خویش را بر امواج آینده ترسیم می کنند.

۱. نهج البلاغه، از خطبه ۳۱.

درس سی ام

سخن و سکوت

علی (علیه السلام) فرمودند:

لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ (۱)

ترجمه

نه سکوت دانشمند سودی دارند و نه سخن گفتن جاهل.

شرح کوتاه

خداوند از آنها که می دانند و آگاهی دارند پیمان گرفته که در برابر انحراف ها، کجروی ها، ستم ها و حق کشی ها، و سمپاشی های دشمنان سکوت نکنند و با منطق و بیان گرم و مستدل خود نور هدایت و حق و عدالت در دل ها بپاشند (و هرکس نسبت به آنچه می داند هر قدر کم باشد دانشمند است و مسؤول) همان طور که افرادی که از مسائل آگاهی کافی ندارند نباید با دخالت ناروای خود مردم را به گمراهی بکشانند، آن «سکوت» و این «سخن» هر دو بدبختی زااست.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار.

درس سی و یکم

لذت بخشش

پیغمبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) فرمود:

إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ (۱)

ترجمه

هنگامی که بر دشمنت پیروز شدی، عفو و بخشش را (زکات) این پیروزی قرار بده.

شرح کوتاه

از نظر اسلام هر نعمت و موهبتی - بدون استثنا - زکات دارد و زکات قدرت عفو است. پیروزی های ظاهری در صورتی ریشه دار خواهد شد که دل دشمن از کینه شستشو گردد، و ریشه اصلی مخالفت قطع شود، و این موضوع راهی بهتر از پرداختن زکات قدرت یعنی عفو ندارد، در این هنگام است که او از دل و جان منقلب می گردد، و دشمن دیروز دوست امروز می شود و پیروزی از نظر ظاهر و باطن تکمیل می گردد، اما به عکس کسانی که به هنگام قدرت دست به انتقامجویی می زنند نه تنها از یک فضیلت بزرگ انسانی محروم شده اند بلکه پیروزی خود را نیز به خطر می افکنند.

۱. از کتاب سخن محمد(صلی الله علیه وآله).

درس سی و دوم

زهد به معنای واقعی

علی(علیه السلام) فرمودند: أَلْزَاهِدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَمْ يَغْلِبِ الْحَرَامُ صَبْرَهُ وَلَمْ يَشْغَلِ الْحَلَالُ شُكْرَهُ (۱)

ترجمه

زاهد واقعی در جهان آن کس است که اموال حرام نیروی مقاومت او را در هم نشکند و حلال او را از یاد خدا و وظیفه سپاسگزاری باز ندارد.

شرح کوتاه

بعضی از افراد بی خبر مفهوم زهد را تحریف کرده و یک شکل منفی به آن داده اند زهد را به معنای فاصله گرفتن از مواهب الهی و پشت پا زدن به امکانات اقتصادی و همچون فقیران زیستن تفسیر کرده اند، در حالی که چنین نیست، زهد به معنای واقعی همان است که در عبارت بالا از علی(علیه السلام) نقل شده که خلاصه آن دو جمله است:

«مقاومت و چشم پوشی در برابر اموال حرام» و «فراموش نکردن مسؤولیت ها و وظایف در برابر اموال حلال».

اگر زهد را چنین تفسیر کنیم یک عامل سازنده و پیش برنده و تربیت کننده در اجتماع خواهد بود نه یک عامل منفی و باز دارنده.

۱. از کتاب تحف العقول.

درس سی و سوم

همردیف شهیدان

امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمودند: مَا الْمَجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ (۱)

ترجمه

آن کس که در راه خدا جهاد کند و شربت شهادت بنوشد بلند مقام تر از آن کس نیست که توانایی بر گناه داشته باشد و دامن خود را آلوده نکند.

شرح کوتاه

از نظر منطق اسلام بزرگ ترین جهاد، جهاد با هوس های سرکش مخصوصاً در محیط های آلوده است، حتی جهاد با دشمن آن گاه نتیجه بخش خواهد بود که با اخلاص و اتحاد و نیت پاک و دور از خود خواهی و اغراض شخصی صورت گیرد و اینها جز با پرورش اخلاقی کافی و جهاد با نفس ممکن نیست.

به همین دلیل علی(علیه السلام) می فرماید آنها که در میدان جهاد با هوا و هوس پیروز می گردند و در محیط های آلوده دامان خود را پاک نگه می دارند کمتر از مجاهدان شهید در راه خدا نیستند، حتی در دنبال این حدیث در نهج البلاغه می خوانیم این گونه افراد در ردیف فرشتگان آسمانی هستند.

۱. نقل از نهج البلاغه، کلمات قصار.

درس سی و چهارم

بهترین مردم

امیرمؤمنان(علیه السلام) فرمود:

خَيْرُ النَّاسِ قُضَاءُ الْحَقِّ (۱)

ترجمه

بهترین مردم کسانی هستند که به حق داوری کنند.

شرح کوتاه

داوری عادلانه در مسائل حقوقی و اجتماعی و اخلاقی تنها از کسی میسر است که منافع خود و دیگران را با یک چشم ببیند و حب و بغض های شخصی مانع از عدالت و دادگری او نشود.

و این کار تنها از کسانی ساخته است که نور ایمان و فضائل انسانی و عواطف مردمی آنچنان وجود آنها را روشن ساخته باشد که امواج نیرومند خودخواهی و سودجویی و حبّ ذات نتواند عقربه فکر و وجدان آنان را منحرف سازد، و چنین کسانی شایسته عنوان «بهترین مردم» اند.

۱. از کتاب اسلام در قلب اجتماع.

درس سی و پنجم

عبادت آزادگان

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

الْعِبَادُ ثَلَاثَةٌ:

قَوْمٌ عَبْدُوا اللَّهَ خَوْفًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ.

وَقَوْمٌ عَبْدُوا اللَّهَ طَلَبَ الثَّوَابِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ.

وَقَوْمٌ عَبْدُوا اللَّهَ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ (۱)

ترجمه

عبادت کنندگان سه دسته اند:

آنها که از ترس دوزخ خدا را می پرستند، این عبادت بردگان است.

و آنها که برای پاداش خدا را می پرستند، این عبادت مزد بگیران است.

و آنها که برای عشق و محبت او او را عبادت می کنند، این عبادت آزادگان است.

شرح کوتاه

گرچه وعده کیفر و پاداش الهی، همه حق است، پاداشش فوق العاده پر ارزش و کیفرش بسیار دردناک، اما آزادگان بلند همتی که جز خدا نمی بینند و جز خدا نمی جویند و پیمانان قلبشان از عشق و محبت او لبریز است، چشم به نقطه ای بالاتر از پاداش و کیفر دوخته، و انگیزه آنها در اطاعت فرمان خدا تنها عشقی است آمیخته با معرفت شناسایی او.

۱. از کتاب وسایل الشیعه.

آنچه پشت را می شکند

امام باقر(علیه السلام) فرمود:

ثَلَاثُ قَاصِمَاتُ الظَّهْرِ: رَجُلٌ إِسْتَكْتَرَّ عَمَلَهُ وَنَسِيَ ذُنُوبَهُ وَأَعَجَبَ بِرَأْيِهِ (۱)

ترجمه

سه چیز پشت آدمی را می شکند: کسی که عمل نیک خود را بزرگ بشمرد و کسی که گناهان خویش را فراموش کند و آن کس که استبداد رأی داشته باشد.

شرح کوتاه

کسانی که اعمال خود را بزرگ می شمردند، مسلماً به همان قانع می شوند و همین طرز فکر سدی در برابر تکامل و پیشرفت آنها ایجاد می کند.

و آنها که گناه خویش را فراموش کنند، به جای جبران آنها هر روز آلوده گناه تازه ای می شوند و یکباره سقوط خواهند کرد. و آنها که تنها به فکر خود تکیه می کنند، از پشتوانه افکار عمومی و عقول دانش های فراوان دیگران محروم می مانند، لغزش ها پشت سر هم دامن آنها را می گیرد و بالاخره پشت آنها در زیر بار انبوه مشکلات خواهد شکست.

۱. وسایل الشیعه، جلد ۱، صفحه ۷۳.

درس سی و هفتم

پاکیزه باش

پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) فرمود:

أَفْوَاهُكُمْ مِنْ طُرُقِ رَبِّكُمْ فَأَحْبِبْهَا إِلَى اللَّهِ أَطْيَبُهَا رِيحًا فَطَيِّبُوهَا بِمَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ (۱)

ترجمه

دهان شما یکی از راه های خداست، محبوب ترین دهان در پیشگاه خدا آن است که از همه خوشبوتر باشد، پس تا می توانید دهان خود را خوشبو نگاهدارید.

شرح کوتاه

این حدیث که در آداب مسواک کردن در کتاب وسایل الشیعه نقل شده ظاهری دارد و باطنی: ظاهر آن این است که انسان با دهان خود ذکر خدا می گوید، آیات خدا می خواند و نیایش به درگاه او می کند بنابراین باید آن را پاک و خوشبو نگاهدارد.

و باطن آن این است که دهان یکی از راه های پیوند با طرق الهی و بندگان اوست، هر قدر با گفتار خوب و پاکیزه و سخنان محبت آمیز خوشبو گردد و از زشت گویی و دشنام و ناسزا و دروغ و خشونت بر کنار باشد در پیشگاه خدا محبوب تر است.

۱. وسایل الشیعه، جلد ۱، صفحه ۳۵۸.

درس سی و هشتم

سرانجام جهل

امام نهم، امام جواد(علیه السلام) می فرماید:

مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ أَفْسَدَ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ (۱)

ترجمه

آن کس که بدون علم و آگاهی عمل کند، بیش از آنچه اصلاح می کند فساد خواهد کرد.

شرح کوتاه

زیان جهل و نادانی تنها به این قسمت محدود نمی شود که انسان به ارزش های واقعی زندگی و حیات نمی رسد، بلکه فساد و

تبهکاری ناشی از ندانم کاری ها خطر بزرگتری است که در انتظار عاملان بدون علم است.

در این موقع است که شخص نادان می خواهد به فرزند خود نیکی کند، او را به بدبختی می کشاند، می خواهد به اسلام خدمت کند

آبروی دین و مذهب را می برد، می خواهد صلح و صفا در میان مردم ایجاد کند، دامن به آتش اختلاف و نفاق می زند، خلاصه

خرابکاری و فساد او در هر زمینه بیش از اصلاح خواهد بود.

۱. منتهی الامال.

درس سی و نهم

ارکان هدایت

امام جواد(علیه السلام) می فرماید:

الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ:

تَوْفِيقُ مِنَ اللَّهِ

وَ وَاعِظُ مِنْ نَفْسِهِ

وَقَبُولُ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ (۱)

ترجمه

افراد با ایمان نیازمند به سه چیزند، توفیق پروردگار، و واعظی از درون جان و دل، و پذیرشی از اندرز دهندگان.

در این راه پرفراز و نشیبی که انسان در زندگی در پیش دارد برای این که بتواند از خطرات بیشماری که سعادت او را تهدید می کند رهایی یابد و موجودی مفید و مؤثر در اجتماع گردد، در درجه اول نیاز به یک ارتباط معنوی و روحانی به پروردگار دارد که از ذات پاکش مدد گیرد، و سپس وجدانی بیدار و آگاه از درون او را موعظه کند و پس از آن گوش هایی شنوا که از افکار، راهنمایی ها، اندرزها و مشورت های دیگران استفاده کند.

۱. منتهی الآمال.

درس چهارم

نوحه گری جاهلیت

امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

یکی از سخنان کوتاه پیامبر(علیه السلام) که هیچ کس پیش از او نگفته، این بود:

النَّيَاحَةُ مِنْ عَمَلِ الْجَاهِلِيَّةِ (۱)

ترجمه

نوحه گری از اعمال دوران جاهلیت است (در برابر مشکلات نباید ناله کرد بلکه باید برای حل آنها بپاخواست).

شرح کوتاه

این حدیث کوتاه و پرمعنا، ظاهری دارد و باطنی:

ظاهر آن اشاره به اعمال بی رویه ای است که در زمان جاهلیت مرسوم بود؛ هنگامی که کسی از دنیا می رفت زنان نوحه گر دعوت می کردند که با آهنگ های مخصوص خود و اشعار پر از دورغ و فریب بر مرگ او نوحه سرایی کنند و یک عزای ساختگی و قلابی برپا سازد. و اما معنای دیگری که شاید امام باقر(علیه السلام) نیز به آن اشاره می کند این است که در برابر حوادث سخت و پیچیده و مشکلات زندگی فردی و اجتماعی نوحه گری و ناله کردن بیهوده است و به هدر دادن نیروها و امکانات است؛ باید با سر پنجه عقل و اندیشه و با همت و استقامت مداوم آنها را گشود و چاره جویی کرد.

۱. وسایل الشیعه، جلد ۱، صفحه ۹۱۵.

درس چهل و یکم

همه روز محاسبه کن

امام کاظم(علیه السلام) فرمود:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ كُلَّ يَوْمٍ (۱)

کسی که همه روز به حساب خویشتن نرسد از ما نیست!

شرح کوتاه

پیشگیری از زیان و کوشش برای سود بیشتر، در هیچ مؤسسه ای چه کوچک و چه بزرگ در این جهان، بدون رسیدگی مستمر و محاسبه و بیلان ممکن نیست. و راستی حیرت آور است که مردم در حساب سرمایه های مادی خود این قدر دقیقند، و یا نسبت به کم و زیاد شدن چند گرم وزن بدن خویش حساسیت دارند، اما گاهی در تمامی عمر حتی یک بار به حساب های انسانی و اخلاقی و معنوی خویش نمی رسند چه غفلت و حشتناکی!

ولی یک مسلمان مسئول و بیدار کسی است که به گفته امام کاظم(علیه السلام) در حدیث فوق، همه روز بدون استثنا به حساب خویشتن رسیدگی می کند. «ان عمل حسناً استزاد منه و ان عمل سیئاً استغفر الله منه؛ اگر کار نیکی کرده کوشش می کند بیشتر کند و اگر کار بدی انجام داده از آن توبه می نماید».

۱. از کتاب اقوال الائمه، جلد ۱، صفحه ۲۱۴.

درس چهل و دوم

آثار ایمان سخت تر از آهن

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ إِنَّ زُبْرَ الْحَدِيدِ إِذَا دَخَلَ النَّارَ تَغَيَّرَ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ قُتِلَ ثُمَّ نُشِرْتُمْ قُتِلَ لَهُ يَتَغَيَّرُ قَلْبُهُ (۱)

ترجمه

افراد با ایمان از قطعات آهن محکمترند چه این که:

آهن هنگامی که وارد آتش شود تغییر می کند؛ اما مؤمنان اگر کشته شوند و سپس زنده شوند و باز کشته شوند، تغییری در روحیه آنها پیدا نمی شود.

شرح کوتاه

زندگی مجموعه ای است از مشکلات و مسائل پیچیده، که افراد کم استقامت بزودی در برابر آن زانو می زنند و از میدان فرار می کنند؛ اما آنها که در پرتو ایمان، استقامت دارند به هیچ وجه در برابر انبوه مشکلات تسلیم نمی گردند.

آنها می دانند در راه اطاعت فرمان پروردگار، در راه پرهیز و دوری از گناه، و در راه سربلندی و عظمت، همیشه موانعی وجود دارد و

رسیدن به این افتخارات، نیازمند به خویشتن داری و فداکاری و ایستادگی در برابر هوس های سرکش و در برابر مشکلات دیگر

است، لذا در دین از تلاش و کوشش نمی ایستند و از حوادث نمی هراسند.

درس چهل و سوم

حقیقت توحید و عدل الهی

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

التَّوْحِيدُ أَنْ لَا تَتَّوَّهُمَهُ وَالْعَدْلُ أَنْ لَا تَتَّهَمَهُ (۱)

ترجمه

حقیقت توحید خداوند این است که ذات او را به وهم و تصور خود محدود نسازی و ایمان به عدالت او در این است که در هیچ کار او را متهم ننمایی.

شرح کوتاه

به همان اندازه که اصل وجود خداوند برای ما روشن و آشکار است و هر ذره ای از ذرات این جهان دلیل عظمت و قدرت و علم و توانایی اوست، به همان مقدار حقیقت ذات او بر ما پوشیده است زیرا او وجودی است نامحدود و چنان وجودی بالاتر از درک محدود ماست، بنابراین باید ذات او را از هر چیز تصور می کنیم بالاتر بدانیم و این است حقیقت توحید.

از طرفی در این جهان حوادثی روی می دهد که گاهی اسرار آن بر ما پوشیده است، توجّه به عدالت خداوند به ما می گوید که این حوادث همه روی حساب و قانون است، هرگونه سوءظن در این قسمت با ایمان به عدالت و حکمت او سازگار نیست.

۱. از نهج البلاغه، کلمات قصار.

درس چهل و چهارم

چند نشانه ایمان

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ خَفِيفُ الْمَوْتَةِ جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ لَا يَلْسَعُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَيْنِ (۱)

ترجمه

آدم با ایمان کمک او پر ارزش، هزینه او کم، در زندگی با تدبیر، و هرگز از یک سوراخ دوباره گزیده نمی شود (هیچ گاه از یک ناحیه دوبار غافلگیر نخواهد شد).

شرح کوتاه

ایمان جلوه ها و نشانه های علمی و اخلاقی و اجتماعی دارد که بدون اسم بی مسمایی بیش نیست، در حدیث فوق به چهار نشانه آن اشاره شده است:

۱- افراد با ایمان کمک های ارزنده ای در اختیار برادران مسلمان خود می گذارند، چرا که کمک های آنها با دلسوزی و اخلاص و آگاهی همراه است.

۲- آنها زندگی پرخرج و تجملاتی که برای تهیه وسایل آن آلوده همه گونه خلافاکاری شوند ندارند.

۳- آنها در امر زندگی و مخصوصاً امور اقتصادی با تدبیر و هوشیارند.

۴- آنها از هر حادثه ای فوراً درس عبرت می گیرند و به همین دلیل هرگز از یک ناحیه دو بار ضربت نمی خورند.

۱. از کتاب سفینه البحار.

درس چهل و پنجم

دنیا هدف نیست، وسیله است

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا وَلَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا(۱)

ترجمه

دنیا برای هدف دیگر آفریده شده، نه برای خودش .

شرح کوتاه

غالباً تفسیر آیات و اخباری که از یک سو در مدح دنیا و وسایل مادی این جهان وارد شده و آن را تجارتخانه یا مزرعه اولیای خدا معرفی کرده، با آیات و اخباری که در ذم آن وارد شده و آن را خطرناک و فریبنده و سرمایه غرور شمرده، بر افرادی مشکل می شود.

ولی حدیث بالا آنها را به روشنی تفسیر می کند که اگر دنیا و وسایل مادی آنچنان که خدا قرار داده، وسیله برای رسیدن به تکامل انسانی و بسط عدالت و داد و سعادت همه جانبه انسان ها باشد، ارزنده و دوست داشتنی است، اما اگر هدف نهایی و مطلوب با لذات باشد و مایه طغیان و غرور و سرکشی گردد، تنفرآمیز و خطرناک خواهد بود.

۱. از جلد ۱ سفینه البحار.

درس چهل و ششم

بهای انسان

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) فرمود:

إِنَّهُ لَيْسَ لَنَا نَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا.(۱)

ترجمه

(آگاه باشید) برای وجود شما بها و قیمتی جز سعادت جاویدان بهشت نیست و به غیر این بها آن را نفروشید.

شرح کوتاه

معمولاً اگر از کسی بپرسند سرمایه وجود و هستی خود را به چه مبلغ معامله می‌کنی؟ ارزش و بهایی برای آن نمی‌تواند قائل شود. در حالی که این سرمایه بزرگ را تدریجاً و روز به روز به بهای ناچیزی می‌فروشد، و گاه در پایان عمر می‌بیند این سرمایه عظیم را با یک خانه یا یک اتومبیل و یا ویلای بیلاقی معاوضه کرده است، و تازه از آن هم بزودی جدا خواهد شد.

علی(علیه السلام) می‌فرماید هیچ یک از سرمایه‌های مادی این جهان نمی‌تواند با سرمایه عمر شما برابری کند تنها متاعی که می‌تواند با آن برابری کند خشنودی خدا، و تکامل انسانی و معنوی و سعادت ابدی و جاویدان است که هر قدر در راه آن تلاش و کوشش و فداکاری کنید بجاست.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۴۵۶.

درس چهل و هفتم

حق و باطل

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) فرمود:

إِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ مَرِيءٌ، وَإِنَّ الْبَاطِلَ خَفِيفٌ وَبِئْسَ (۱)

ترجمه

حق سنگین و مشکل اما گواراست، و باطل سبک و آسان و اما دردناک و خطرناک است.

شرح کوتاه

اما باطل بسیار آسان و گاهی بسیار لذیذ و شیرین، ولی اثرش مرگبار است؛ همچون یک غذای لذیذ امام مسموم، هنوز از گلوی

انسان فرو نرفته اثر ویرانگری آن در قلب و معده و روده‌ها آشکار می‌گردد؛ باطل نیز همانند این غذا، سازمان‌های مختلف اجتماع را ویران می‌سازد.

۱. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۰۷.

درس چهل و هشتم

پر ارزش ترین میراث عرب

پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمود:

أَصْدَقُ كَلِمَةٍ قَالَتْهَا الْعَرَبُ كَلِمَةٌ لُبِيدٌ:

أَلَا كُلُّ شَيْءٍ مَا خَلَا اللَّهَ بَاطِلٌ *** وَكُلُّ نَعِيمٍ لَا مَحَالَةَ زَائِلٌ (۱)

صحیح ترین و رساترین جمله ای که عرب گفته است، گفتار «لبید» (شاعر معروف) است آن جا که می گوید: «آگاه باشید هر چیزی جز خدا باطل است و هر نعمتی بالاخره از دست خواهد رفت».

شرح کوتاه

توجه به فَنای ثروت ها و مقام ها و زوال نعمت ها به انسان هشدار می دهد که هم در به دست آوردن آنها رعایت حق و عدالت را کند و هم در طرز مصرف آنها راه اعتدال پیش گیرد.

ابدیت و جاودانگی لباسی است که تنها به قامت کبریای او می زبید و راه نیافتن فنا و نیستی تنها مخصوص ذات پاک اوست. در برابر هر صحنه ای از صحنه های زندگی مادی باید به این حقیقت توجه داشت و مغرور نشد.

۱. مصباح الشریعه، صفحه ۴۵.

درس چهل و نهم

من از آنها بیزارم

امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) می فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَا كَرَهُ (۱)

ترجمه

آن کس که تقلب کند یا به مسلمانی زیان رساند یا به او نیرنگ زند از ما نیست.

شرح کوتاه

آنها که خوشبختی خود را در بدبختی دیگران و سود خود را در زیان دیگران می بینند نه یک انسان واقعی محسوب می شوند و نه یک مسلمان حقیقی.

امتیاز انسان از سایر جانداران در شخصیت اجتماعی اوست، و آن کس که سود خود را در ضرر دیگران می بیند فاقد شخصیت اجتماعی است.

زیان به افراد دیگر رسانیدن گاهی صریح و آشکار است و گاهی پنهانی از طریق تقلب و یا خدعه و نیرنگ، به هر صورت باشد در اسلام ممنوع است، و امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) فرمود: من از مرتکبین این اعمال بیگانه ام.

۱. سفینه البحار ماده غش..

درس پنجاهم

تلاش عاجزان

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

الْغِيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ (۱)

ترجمه

غیبت کردن آخرین تلاش افراد ناتوان است.

شرح کوتاه

درمیان گناهان کبیره کمتر گناهی است که همانند غیبت نشانه پستی و ضعف و زبونی و ناجوانمردی باشد.

آنها که به مذمت و عیب جویی مردم در پشت سر می نشینند و آبروی و حیثیت افراد را با افشای عیوب پنهانی، که غالب مردم به یکی از این عیوب گرفتارند، می برند، و آتش حسد و کینه خود را با این وسیله فرو می نشانند، افرادی ناتوان و فاقد شخصیتند که حتی در مبارزه بی دلیل و ظالمانه خود شهامت ندارند و تمام قدرتشان این است که از پشت خنجر بزنند.

در حدیث آمده، آن کس که غیبت مردم کند اگر توبه نماید آخرین کسی است که وارد بهشت می شود و اگر نکند نخستین کسی است که وارد دوزخ می شود.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار.

درس پنجاه و یکم

نشانه های ستمگر

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

لِلظَّالِمِ ثَلَاثٌ عِلَامَاتٌ:

يُظْلِمُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ وَمَنْ دُونَهُ بِالْغَلْبَةِ

وَيُظَاهِرُ الْقَوْمَ الظَّالِمَةَ (۱)

ترجمه

ستمگر سه نشانه دارد: به آنها که بالاتر از او هستند با مخالفت و نافرمانی ستم می کند، و نسبت به آنها که زیر دست او قرار دارند از طریق قهر و غلبه ستم می نماید، و با ستمگران همکاری دارد.

شرح کوتاه

آن کس که روح ستمگری بر فکرش غلبه کند و تحت نفوذ این روحیه پلید قرار گیرد، در هر مورد به شکلی خودنمایی می نماید: از

انجام وظایف خود در برابر آنها که پذیرش فرمان آنها لازم است سرپیچی می کند، و در برابر زیردستان به قهر و غلبه و زور و

قدری متوسل می شود، و دوستان و هم‌ردیفان و همکاران خود را از میان ستمگران انتخاب می نمایند، او در هر حال ستمگر است ولی در هر مورد به شکل مناسب آن مورد در می آید.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار.

درس پنجاه و دوم

درد بی درمان وجود ندارد

پیغمبر گرامی اسلامی فرمود:

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ دَاءٍ إِلَّا جَعَلَ لَهُ دَوَاءً (۱)

ترجمه

خداوند هیچ دردی نداد مگر این که دوايي بر آن آفريد.

شرح کوتاه

جهانی که در آن زندگی می کنیم مجموعه ای از عملها و عکس العمل هاست در کنار نیروی نفی کننده نیروی مثبت و سازنده ای وجود دارد که باید آن را پیدا کرد و از آن بهره گرفت، و ادامه حیات ما معلول همین تعادل نیروهاست، نه تنها هیچ بیماری جسمی بدون درمان وجود ندارد، هیچ مشکل اجتماعی هم موجود نیست که راه حلی برای آن نباشد، آنها که مشکلات را لاینحل می پندارند و به هر کار پیچیده برخورد می کنند آن را درد بی درمان معرفی می کنند از این حقیقت غافلند که اصولاً درد بی درمان وجود ندارد.

بنابراین باید با حوصله و پشتکار به میدان حوادث سخت زندگی رفت و راه حل آنها را پیدا کرد.

۱. نهج الفصاحه.

درس پنجاه و سوم

چرا نعمت ها از بین می روند؟

امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ قَضَىٰ قَضَاءً حَتْمًا إِلَّا يُنْعِمَ عَلَى الْعَبْدِ بِنِعْمَةٍ فَيَسْلُبُهَا إِيَّاهُ حَتَّىٰ يُحْدِثَ الْعَبْدُ ذَنْبًا يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ النَّقِمَةَ (۱)

ترجمه

خداوند یک حکم قطعی کرده است که نعمت هایی را که به مردم داده از آنها نگیرد مگر این که گناهی مرتکب شوند که موجب سلب آن نعمت گردد.

نعمت های خدا بی پایان است، اما بی حساب نیست، بدون حساب به کسی نمی دهد و بی حساب از کسی نمی گیرد، هنگامی که مردم جهان نعمت های او را وسیله غرور و فساد تبهکاری و ستم قرار دادند همان نعمت ها تبدیل به عوامل بدبختی آنها می گردد، نعمت آنها سلب، و بلا جای آن را می گیرد، صنایع و تکنولوژی آنها ویرانگر، و اجتماع آنها مایه نفاق، و توسعه زندگی آنها مایه ناراحتی، و حتی وسیله های سرعت عامل عقب ماندگی آنها می گردد، چرا که از نعمت ها سوء استفاده کردند!

۱. اصول کافی، جلد ۲.

درس پنجاه و چهارم

شهادت و پاکی

پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمود:

إِذَا مِتَّ عَلَى طَهَارَةٍ تَكُونُ شَهِيداً (۱)

ترجمه

هنگامی که پاک از دنیا بروی در زمره شهیدان خواهی بود.

شرح کوتاه

حدیث فوق قسمتی از دستورهایی است که پیامبر(صلی الله علیه وآله) به یکی از یاران خود به نام «انس» می دهد و به او می فرماید: «اگر می توانی شب و روز با وضو باشی این چنین کن، زیرا گر در این حال از دنیا بروی شهید خواهی بود.»، گرچه معنای نخستین حدیث، همان با وضو بودن است، اما حدیث در ضمن اشاره به حقیقت مهم تری دارد و آن پاک زیستن و پاک از جهان رفتن است، آنها که دامانشان پاک، دل هایشان پاک، و زندگی و فکری پاک دارند و این چنین از جهان رخت بر می بندند قطعاً در صف شهیدان خواهند بود که شهادت منحصر به کشته شدن در میدان جنگ نیست، احادیث دیگری که در منابع اهل بیت(علیهم السلام) وارد شده نیز این حقیقت را تأکید می کند.

۱. سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۷۲۰.

درس پنجاه و پنجم

عاشقان جانباز

امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ أَصْحَابَ جَدِّيَ الْحُسَيْنِ لَمْ يَجِدُوا أَلَمَ مَسِّ الْحَدِيدِ (۱)

ترجمه

یاران فداکار جدم امام حسین(علیه السلام) در زیر ضربات شمشیر و نیزه دشمن احساس درد نمی کردند!

شرح کوتاه

هنگامی که علاقه انسان به یک هدف به مرحله عشق، آن هم عشقی سوزان، برسد تمام احساس او در همان نقطه متمرکز می شود، و به همین جهت هر ناراحتی برای او قابل تحمل است نه تنها قابل تحمل است بلکه احساس ناراحتی نمی کند، جایی که زنان مصر با دیدن روی یوسف، در مسیر یک عشق زود گذر مجازی، آنچنان از خود بی خبر شدند که به جای بریدن میوه، دست های خود را بریدند چه جای تعجب است که عاشقان بی قرار راه خدا، و جانبازان راه حق و فضیلت، درد و رنج ضربات سنگین دشمن را احساس نکنند، باید نخست عشق ورزید، فداکاری و تحمل نتیجه حتمی آن است.

۱. بحارالانوار، جلد ۴۵، صفحه ۸۰.

درس پنجاه و ششم

خردمند و بی خرد

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

أَعْقِلُ يُعْتَمِدُ عَلَى عَمَلِهِ وَالْجَاهِلُ يُعْتَمِدُ عَلَى أَمَلِهِ (۱)

ترجمه

خردمند بر سعی و عمل خویش تکیه می کند و بی خرد بر آرزوهای خویش.

شرح کوتاه

خردمندان افرادی مثبت و حقیقت جو هستند لذا همیشه هدف های بلند خویش را در وجود خارجی جستجو می کنند، و چون رسیدن به آنها بدون تلاش و سعی و کوشش ممکن نیست، همّت خویش را روی عمل خویش متمرکز می سازند، در حالی که جاهلان بی خبر در دریایی از آرزوها و اوهام غوطه ورنند و گمشده های خود را تنها در عالم خیال می جویند، و چون دست یافتن به تخیلات نیازی به کار و کوشش ندارد، گرایش های منفی در همه شئون زندگی آنها آشکار می گردد، همیشه به انتظار پیروزی های خیالی در فردایی که هنوز نیامده و شاید هیچ گاه نخواهد آمد دلخوشند، و بنابراین در زندگی تکیه گاهی جز آرزو ندارند.

۱. غرر الحکم.

درس پنجاه و هفتم

دینداران واقعی کمند

امام حسین(علیه السلام) فرمود:

النَّاسُ عَيْبِدُ الدُّنْيَا وَالدِّينَ لَعِقُ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ بِهِ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ (۱)

بسیاری از مردم بنده دنیا هستند و دین تنها بر زبان آنهاست، مادامی که زندگی آنان در پرتو دین و روبراه است از آن حمایت می کنند؛ ولی آن روز که با حوادث سختی آزموده شوند، دینداران اندکند.

شرح کوتاه

دین و مذهب - آن هم مذهبی همچون اسلام - حافظ حقوق مردم جامعه و حامی منافع واقعی و عادلانه آنهاست، ولی گاهی دین مزاحم منافع شخصی و خصوصی افراد است؛ این جاست که «دینداران از مدعیان دین»، شناخته می شوند، بسیاری از مردم که به هر چیز از دریچه سود شخصی خود می نگرد تا آن جا با دین همراهند که حافظ حقوق شخصی آنها باشد، اما بر سر دو راهی ها که دین از منافع خصوصی آنها جدا می شود، بکلی آن را رها می کنند و مصداق «نؤمن ببعض و نکفر ببعض» می شوند؛ اما دینداران واقعی آنها هستند که در هر حال به آن وفا دارند و دین و ایمان خطوط اصلی زندگی آنها را ترسیم می کند نه منافع شخصی.

۱. بحارالانوار، جلد ۱۰، صفحه ۱۹۸.

درس پنجاه و هشتم

عدالت در میان فرزندان

پیغمبرگرامی اسلامی می فرماید:

إِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُعْدِلُوا بَيْنَكُمْ (۱)

ترجمه

در میان فرزندان خود عدالت کنید همان طور که دوست می دارید آنها در میان شما عدالت کنند.

شرح کوتاه

یکی از اشتباهات بزرگ تبعیض در میان فرزندان است، بعضی از مردم، برای فرزند بزرگ و به اصطلاح ارشد امتیاز قائل می شوند و بعضی برای کوچک ترین فرزند، و گاهی آنچنان در این راه، افراط می کنند که هر چه از محبت و مال و عواطف دارند در اختیار یکی از آنها قرار می دهند و دیگران را بکلی محروم می سازند، این موضوع آتش کینه و حسد را دل آنها بر می افروزد و در آینده نسبت به یکدیگر دشمن و نسبت به پدر و مادر کینه جو، و حتی نسبت به اجتماع هم در مقام انتقام جویی بر می آیند.

۱. بحارالانوار، جلد ۲۳.

درس پنجاه و نهم

همواره تحت مراقبت هستی

امام محمد تقی (امام جواد) (علیه السلام) فرمود:

بدان که از دیدگاه پروردگار بیرون نخواهی رفت اکنون ببین چگونه خواهی بود؟

شرح کوتاه

نخستین اثر ایمان به خداوند بزرگ، احساس یک مراقبت دائمی بر سر تا پا و درون و برون از ناحیه علم و آگاهی اوست، نه تنها هیچ نقطه ای از دیدگاه علم او بیرون نیست، بلکه مراقبین او از چهارسو، از همه جا، ما را احاطه کرده اند.

هر قدر پایه ایمان بالاتر برود احساس این مراقبت، بیشتر و عمیق تر می گردد، تا آن جا که انسان خود را به طور دائم در حضور او می بیند، این احساس بزرگترین وسیله اصلاح فرد و اجتماع، و زیباترین جلوه های ایمان است، که احیا کردن آن به مهم ترین نابسامانی های اجتماعی سامان می بخشد.

۱. از کتاب تحف العقول.

درس شصتم

نه چاپلوسی نه حسد

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) فرمود:

الثناءُ بِأَكْثَرٍ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَالتَّقْصِيرُ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ عَيٌّْ أَوْ حَسَدٌ (۱)

ترجمه

مدح و تعریف بیش از استحقاق و شایستگی تملق است و کمتر از استحقاق یا ناتوانی در بیان است یا حسد.

شرح کوتاه

شک نیست که باید از افراد شایسته و صفات و اعمال نیکشان تقدیر و تمجید کرد و آنها را در راهی که در پیش گرفته اند تشویق و دلگرم نمود ولی باید این کار درست به اندازه استحقاق افراد باشد و گرنه نتیجه های منفی و زیانبخشی به وجود می آورد، اگر بیش از اندازه شایستگی باشد تملق و چاپلوسی است که هم شخصیت گوینده را در هم می شکند و هم طرف را گرفتار عجب و خودبینی می کند، و اگر کمتر از شایستگی باشد، هم نیکان را دلسرد می سازد و هم نشانه حسد یا عجز گوینده است.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار.

درس شصت و یکم

در خدمت برادران باش

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

کسی که در راه انجام حاجات و نیازمندی های برادران دینیش کوشش کند، خداوند در راه انجام حاجات او خواهد بود.

شرح کوتاه

مردم غالباً فکر می کنند که اگر به حل مشکلات دیگران پردازند از پیشرفت در زندگی می مانند، در حالی که منطق اسلام غیر از این است، پیغمبر(صلی الله علیه وآله) در حدیث بالا می فرماید، تو در راه حل مشکلات مردم، و رفع نیازمندی های آنها بکوش، خداوندی که قدرتش مافوق قدرت تو و همه قدرتهاست به تو کمک می کند و مشکلات تو را حل می نماید. این موضوع را با چشم خود دیده ایم که افرادی که به دیگران کمک می کنند مشکلاتشان به طور عجیبی حل می شود و این یک موهبت الهی است.

۱. بحارالانوار، جلد ۷۴، صفحه ۲۸۶.

درس شصت و دوم

اشتباه در زندگی

علی(علیه السلام) می فرماید:

لَا تُشْغِلْ قَلْبَكَ الْهَمَّ عَلَى مَافَاتَ فَيُشْغَلَكَ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ بِمَا هُوَ آتٍ (۱)

ترجمه

قلب خود را به اندوه برای گذشته مشغول نکن که از آمادگی ها برای آینده درمانی.

شرح کوتاه

کمتر کسی پیدا می شود که اشتباهاتی در زندگی مرتکب نشود و فرصت هایی را از دست نداده باشد، در این جا مردم دو دسته می شوند؛ عده ای دائماً وقت خود را با افسوس خوردن به گذشته تلف می کنند و باقیمانده انرژی های خود را در این راه از دست می دهند؛ ولی عده دیگری گذشته را تمام شده تلقی کرده به دست فراموشی می سپارند و تنها از آن درس های عبرتی برای ساختن آینده می آموزند و تمام قدرت و نیروی خود را متوجه سازندگی امروز و فردا می کنند. مسلماً پیروزی از آن این دسته است همان طوری که امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در حدیث بالا بیان فرموده است.

۱. نقل از غررالحکم، صفحه ۲۸۹.

درس شصت و سوم

اسلام جهانگیر می شود

پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

لَا يَتَّقِي عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرٌ وَلَا وَبَرٌ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةَ الْأِسْلَامِ (۱)

ترجمه

در روی زمین خانه ای نمی ماند، حتی خانه های گلین و خیمه های پشیمان، مگر آن که خداوند آیین اسلام را در آن وارد می کند.

شرح کوتاه

روز به روز این حقیقت آشکارتر می شود که جهان بر سر دو راهی است، یا اسلام را می پذیرد و یا هیچ دینی را نمی خواهد نخواهد پذیرفت، از آن جا که لادینی برخلاف سرشت آدمی است سرانجام به سوی اسلام جلب می گردد؛ و هم اکنون موجی از توجه به اسلام نقاط مختلفی از جهان را فرا گرفته است.

اما تکامل این موضوع به هنگام ظهور حضرت مهدی ارواحنا له الفداء خواهد بود؛ در آن روز شرک و بت پرستی از دنیا برچیده می شود و حکومت اسلام سراسر روی زمین را خواهد گرفت، آنچه که پیامبر(صلی الله علیه وآله) در حدیث بالا بشارت داده است.

۱. مجمع البیان، تفسیر سوره توبه.

درس شصت و چهارم

هیچ گناهی را کوچک نشمر!

امام حسن عسکری(علیه السلام) می فرماید:

مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا يُغْفَرُ لِيَتَنِي لَا أُؤَاخَذُ إِلَّا بِهَذَا! (۱)

ترجمه

از گناهایی که بخشوده نخواهد شد، آن است که انسان بگوید: «ای کاش گناه من همین باشد»

شرح کوتاه

گناهان کوچک بر اثر چند چیز گناه بزرگ می شوند، از جمله کوچک شمردن و بی اهمیّت دانستن آنهاست، که یکی از وساوس خطناک شیطانی می باشد.

گناهایی که انسان از آنها وحشت دارد و آنها را بزرگ می شمرد آن قدر خطرناک نیستند زیرا همواره مراقب است که دامن او را نگیرند، اما به هنگامی که آن را کوچک شمرده و وحشت او زایل گشت به آسانی در مسیر آن قرار می گیرد، و چه بسا تکرار مکرر آن که خود یکی دیگر از عوامل تبدیل گناهان صغیره به کبیره است، برای همیشه او را از سعادت و خوشبختی دور می سازد، از این گذشته، گناه هرچه باشد، از یک نظر، بزرگ است زیرا شکستن حریم قانون خداوند بزرگ می باشد.

۱. تحف العقول، صفحه ۳۶۶.

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می فرماید:

فَضْلُ الْفَقِيهِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ (۱)

ترجمه

برتری «عالم» از «عابد» همانند برتری خورشید است نسبت به ستارگان.

شرح کوتاه

ستارگان آسمان تنها خود روشنند اما نمی توانند روشنی چندانی به ما بدهند و راه را برای ما مشخص کنند، اما آفتاب و اشعه طلایی و درخشانش، نه تنها حیات پرور و زندگی آفرین است؛ بلکه راه را از بیراهه و شاهراه را از پرتگاه به همه ساکنان کرات منظومه شمسی نشان می دهد، و چنین است فرق عالم و عابد، «این» فقط گلیم خود را از آب بیرون می کشد و «آن» سعی می کند که غریق ها را نجات بخشد، و این را نیز می دانیم که سیارگان منظومه شمسی از نور آفتاب بهره می گیرند، و اگر عالمی نبود عابدی هم وجود نداشت.

۱. تحف العقول، صفحه ۳۰۷.

درس شصت و ششم

حقوق متقابل

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می فرماید:

يَلْزَمُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْحُقُوقِ لَوْلَادِهِمَا مَا يَلْزَمُ الْوَالِدَ لَهُمَا مِنَ حُقُوقِهِمَا (۱)

ترجمه

همان طوری که فرزندان بر اثر ترک حقوق پدر و مادر مسؤولند پدران و مادران نیز در برابر ترک حقوق فرزندان مسؤولیت دارند.

شرح کوتاه

در دنیا هیچ حقی بدون وظیفه نیست یعنی در کنار هر حقی وظیفه ای وجود دارد و هر اندازه حق بزرگتر باشد وظیفه و مسؤولیت نیز بزرگتر است.

به همین دلیل پدران و مادران که حق بزرگی بر فرزندان خود دارند - حقی که در قرآن مجید همدوش حق پروردگار ذکر شده -

مسؤولیت سنگینی نیز در مقابل آنها دارند؛ آنها باید لحظه ای از تعلیم و تربیت فرزندان غافل نشوند و تا آن جایی که امکان دارند

در سازندگی روح و جسم آنها و نگهداری آنان از آلودگی های فکری و اخلاقی بکوشند و غوغای زندگی روزانه آنها را از این وظیفه بزرگ باز ندارد.

۱. از کتاب اقوال الائمه.

درس شصت و هفتم

در راه اطاعت خرج کن تا خرج گناه نکنی!

امام کاظم(علیه السلام) فرمود:

إِيَّاكَ أَنْ تَمْنَعَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ فَتُنْفِقَ مِثْلِيهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ. (۱)

ترجمه

از صرف مال در راه اطاعت پروردگار خودداری مکن که ناچار می شوی دو برابر آن را در راه معصیت و گناه صرف کنی!

شرح کوتاه

بسیارند کسانی که مثلاً برای هزینه بهداشت خویش سختگیرند و همان سبب می شود که دو یا چند برابر آن را صرف درمان

بیماری ها کنند!

این یک قانون عمومی است که اگر انسان در مصارف لازم، از خرج کردن خودداری کند، برای جبران آن گرفتار هزینه های

سنگین تری می شود.

کسی که از صرف وقت یا پول برای تعلیم و تربیت فرزند خویش مضایقه کند، باید هزینه های کمرشکن اعتیادها و جنایات و

انحراف ها، و ندانم کاری های او را تحمل کند، و کسانی که از صرف هزینه هایی که به رفع نیازمندی محرومان اجتماع کمک می

کند سرباز زنند باید هزینه هایی که گاهی چندین برابر آن است برای جلوگیری از حوادث ناشی از آن مصرف کنند و همچنین...

۱. تحف العقول، صفحه ۳۰۵.

درس شصت و هشتم

بزرگترین بازار تجارت

امام هادی(علیه السلام) می فرماید:

الدُّنْيَا سُوقٌ رِبْحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَخَسِرَ آخِرُونَ (۱)

ترجمه

دنیا بازاری است که جمعی در آن سود می برند و جمعی زیان!

شرح کوتاه

این جهان نه وطن اصلی انسان است و نه محل سکونت دائم، بلکه تجارتخانه بزرگی است که انسان با سرمایه های عظیمی همچون ساعات عمر، نیروی انسانی، مواهب فکری و عقلی به آن فرستاده شده است تا از آن بهره ای ارزنده برای سعادت ابدی و زندگی جاویدانش بگیرد.

آنها که فعال و سخت کوش و هوشیارند و پرتلاش و آگاه، از فنون این تجارت بزرگ با خبرند، لحظه ای آرام نیستند و دائماً در تکاپو تا با این سرمایه ها، کالایی ارزنده تر، متاعی جاویدان، سرنوشتی درخشان برای خود و جامعه خود انتخاب کنند، نه آن که در مسیر فساد و تبهکاری و بیهودگی همه را از دست بدهند، و با دستی تهی از آن بیرون روند.

۱. تحف العقول، صفحه ۳۶۱.

درس شصت و نهم

بلند پایه ترین مردم

پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ (۱)

ترجمه

بلند پایه ترین مردم در روز رستاخیز کسی است که از همه بیشتر برای خیرخواهی خلق خدا گام برداشته است.

شرح کوتاه

خدمت به خلق در ردیف بزرگترین عبادات اسلامی است، و یکی از طرق خدمت به خدا این است که انسان مصالح و منافع آنها را همانند مصالح و منافع خودش ببیند، و همان طور که در مورد منافع خود با نهایت دلسوزی رفتار می کند، درباره منافع و مصالح دیگران نیز کاملاً دلسوز باشد، و در حضور و غیاب مردم از خیرخواهی فروگذار نکند.

۱. نقل از کتاب کافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۶.

درس هفتادم

سه اصل مهم اجتماعی

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

النَّاسُ سَوَاءٌ كَأَسْنَانِ الْمِشْطِ

وَالْمَرءُ كَثِيرٌ بِأَخِيهِ

وَلَا خَيْرَ فِي صُحْبَةِ مَنْ لَمْ يَرْلِكَ مِثْلَ الَّذِي يَرْنِي لِنَفْسِهِ (۱)

ترجمه

مردم (در حقوق اجتماعی) برابرند همانند دندان‌های یک شانه! یک فرد با داشتن برادران (دینی) جمع‌کننده می‌شود.

و هم‌نشینی با آن کس که آنچه برای خود می‌خواهد برای تو نمی‌خواهد سزاوار نیست.

شرح کوتاه

سه اصل مهم زندگی اجتماعی در حدیث بالا آمده است:

نخست مساوات و برابری همه انسانها از هر نژاد و زبان و طبقه در تمام حقوق اجتماعی، دوم پیوند فرد به اجتماع و اجتماع به فرد که از یک فرد به ضمیمه برادران، جامعه‌ای می‌سازد، سوم لزوم احترام به منافع دیگران به اندازه منافع خویشان به عنوان شرط اساسی دوستی و رفاقت.

و جامعه‌ای که این اصول سه‌گانه در آن حکومت نکند نه یک جامعه اسلامی است و نه انسانی.

۱. تحف العقول، صفحه ۲۷۴.

درس هفتاد و یکم

تندخویی و شتاب زدگی

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمودند:

الْحِدَّةُ نَوْعٌ مِنَ الْجُنُونِ لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ فَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهَا مُسْتَحْكَمٌ (۱)

ترجمه

تندخویی و شتابزدگی یک نوع دیوانگی است، زیرا صاحب این صفت بزودی از کار خود پشیمان می‌شود، و اگر پشیمان نشد، دلیل آن است که جنون او ثابت و مستحکم است.

شرح کوتاه

اما اگر این گونه افراد حتی پس از مشاهده نتایج سوء کار خود پشیمان نشوند، اینها دیوانگان پا برجا و دائمی هستند.

۱. نهج البلاغه - کلمات قصار.

درس هفتاد و دوم

زاهدان واقعی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود:

الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَشُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَالْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ (۱)

ترجمه

زهد در این جهان به سه چیز است: کوتاهی آرزو، شکرگزاری نعمت‌ها و پرهیز از حرام.

بسیاری از مردم در فهم مفهوم زهد اسلامی گرفتار اشتباهند و آن را با بیگانگی و جدایی از زندگی مادی و اجتماعی مرداف می شمردند و زاهدان واقعی را آنها می دانند که در انزوای اجتماعی فرو رفته و پشت پا به همه مظاهر زندگی مادی زده اند، و به همین دلیل آن را یک برنامه استعماری تلقی می کنند.

در حالی که زهد واقعی یک مفهوم سازنده اجتماعی دارد که در حدیث بالا به آن اشاره شده:

پرهیز از غصب حقوق دیگران و اموال نامشروع و حرام، و صرف امکانات مادی در مصارف منطقی و انسانی (که حقیقت معنای شکرگزاری است) و کوتاه ساختن آرزوهایی که غرق شدن در آن، انسان را از همه چیز - جز پول و مقام و شهوت - بیگانه می سازد.

۱. تحف العقول.

درس هفتاد و سوم

آزمون شخصیت

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید:

ثَلَاثٌ يُمْتَحَنُ بِهَا عُقُولُ الرِّجَالِ هُنَّ الْمَالُ وَالْوَلَايَةُ وَالْمُصِيبَةُ (۱)

ترجمه

سه چیز است که عقل افراد با شخصیت با آن امتحان می شود: ثروت، مقام، مصیبت.

شرح کوتاه

آزمون های خداوند، وسیله تکامل ها و پیشرفت هاست، و مواد خاصی ندارد، بلکه با هر وسیله ای ممکن است این آزمون صورت گیرد، ولی سه ماده از همه مهم تر است، به هنگامی که مال و ثروتی به دست انسان می آید آیا عقل خود را گم می کند و هوش از دست می دهد یا نه؟

و به هنگامی که مقامی به او سپرده می شود آیا ظرفیت او چنان است که همه چیز را فراموش می نماید یا نه؟

و نیز هنگامی که حادثه ناگواری برای او رخ می دهد، آیا در این موقع جزع و فزع آغاز می کند و خود را می بازد و زبان به ناشکری می گشاید یا نه؟

این مهم ترین چیزهایی است که انسان با آن آزمایش می شود.

۱. غرر الحکم ماده ثلاث.

درس هفتاد و چهارم

امام علی ابن موسی الرضا(علیه السلام) می فرماید:

إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَإِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا (۱)

ترجمه

برای دنیا آنچه کار کن که گویا تا ابد زنده ای و برای آخرت آنچه کار کن که گویا فردا خواهی مرد!

شرح کوتاه

حدیث فوق چگونگی مواجهه اسلام را با مسائل مربوط به زندگی مادی و معنوی روشن می سازد. یک مسلمان مثبت و وظیفه شناس نسبت به مسائل زندگی مادی باید آنچه کار محکم کاری و انضباط را رعایت کند که یا همیشه در این جهان می ماند، و به این ترتیب اهمال کاری های ریاکارانه مدعیان زهد را مردود شناخته است.

و نسبت به مسائل معنوی و آمادگی های لازم برای زندگی باید آن قدر حساس و روشن باشد که اگر فردا از این جهان چشم ببوشد، کمبودی نداشته باشد، با آب توبه واقعی دامن خود را از گناه شسته و حقوق مردم را همگی ادا کرده و هیچ نقطه تاریکی در زندگی نداشته باشیم.

۱. وسایل الشیعه، (طبق نقل اقوال الائمه، جلد ۲، صفحه ۲۷۷).

درس هفتاد و پنجم

اثر گناه

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ وَ مَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ (۱)

ترجمه

آنها که بر اثر گناه می میرند از آنها که با مرگ طبیعی از دنیا می روند بیشترند؛ و آنها که بر اثر نیکوکاری عمر می کنند از آنها که با عمر طبیعی زندگی می نمایند زیاده ترند!

شرح کوتاه

امروز ثابت شده است که سرچشمه قسمت قابل توجهی از بیماری های جسمی، عوامل روحی و معنوی است، و یکی از مهم ترین عوامل ناراحتی روانی فشارهای شدیدی است که از ناحیه وجدان به خاطر انجام گناه بر روح آدمی وارد می شود. انسان گناهکار در دادگاه وجدان محاکمه می شود و با مجازات های دردناک معنوی وجدان روبه رو می گردد و عکس العمل آن در جسم و جان و حتی در مرگ و میرها آشکار می گردد، بعکس، افراد نیکوکار از درون وجدان خود تشویق می شوند و همین تشویق معنوی نیرو و

نشاط تازه ای به آنها می دهد و بر طول عمر آنها می افزاید نتیجه این که گناه عمر را کوتاه، و کار نیک عمر آدمی را طولانی می سازد.

۱. نقل از کتاب سفینه البحار.

درس هفتاد و ششم

شیعه واقعی

امام باقر(علیه السلام) به یکی از دوستان خود فرمود:

أَبْلَغُ شِيعَتَنَا أَنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِعَمَلٍ (۱)

ترجمه

به شیعیان ما بگو که هیچ کس به مواهب و رحمت های الهی نمی رسد مگر با عمل.

شرح کوتاه

این گفتار امام باقر(علیه السلام) پاسخی است به آنها که تصور می کنند تنها به عنوان قبول نام تشیع و ابراز عشق به خاندان پیغمبر(صلی الله علیه وآله) می توانند بزرگترین مقام را در پیشگاه خدا داشته باشند، در حالی که می دانیم اساس اسلام روی عمل گذشته شده و شیعیان واقعی آنها هستند که برنامه عملی آنان اقتباسی است از برنامه های عملی علی(علیه السلام) و یارانش و اصولاً تشیع از ماده مشایعت به معنای گام برداشت پشت سر کسی است؛ بنابراین آنها شیعه واقعی خاندان پیغمبرند که پشت سر آنها گام بر می دارند.

۱. اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۳۰۰.

درس هفتاد و هفتم

با چه کسی مشورت کنیم؟

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

لَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ

وَيَعِدُكَ الْفَقْرَ وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ

وَلَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ (۱)

ترجمه

با افراد بخیل مشورت مکن که تو را از خدمت به خلق خدا باز می دارند، و از تهیدستی می ترسانند و با افراد ترسو مشورت مکن که اراده تو را برای انجام کارهای مهم تضعیف می کنند و نیز اشخاص حریص را مشاور خود قرار مده که ستمگری را برای تو زینت می دهند!

شرح کوتاه

مشورت از دستورات مهم اسلامی است، ولی به همان اندازه که مشورت با افراد ارزنده، به پیشرفت برنامه های صحیح کمک می کند، مشورت با افرادی که نقاط ضعف روشنی دارند، زیان بخش است؛ و نتیجه معکوس می بخشد - به همین دلیل امام(علیه السلام) مؤکداً توصیه می کند از انتخاب سه دسته به عنوان مشاور مخصوصاً در امور مهم اجتماعی خودداری شود: بخیلان، ترسوها، حریص ها، یکی دست انسان را می گیرد تا بذل و بخشش از مواهب خداداد نکند، و دیگری اراده او را سست می کند و سوئی انسان را برای حرص و ولع بیشتر - تشویق به تجاوز به حقوق دیگران می نماید.

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

درس هفتاد و هشتم

بالاترین نعمت ها

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

أَجَلُ النِّعَمِ الْعَافِيَةُ وَ خَيْرُ مَا دَامَ فِي الْقَلْبِ الْيَقِينُ (۱)

ترجمه

بالاترین نعمت ها، تندرستی و سلامتی، و بهترین چیزی که می تواند قلب انسان را پر کند، ایمان به خداست.

شرح کوتاه

در حقیقت امیرمؤمنان(علیه السلام) انگشت روی بزرگترین نعمت مادی و معنوی گذارده است. سلامت تن نه تنها بزرگترین موهبت الهی است، بلکه سرچشمه همه فعالیت ها و تلاش ها و برکات است، و در میان مواهب معنوی چیزی برتر، و بالاتر از نور یقین و روشنایی ایمان نیست که پرفروغ ترین چراغ راه زندگی و مؤثرترین داروی درمان بیماری جهل و ذلت و حقارت و آلودگی است و آرام بخش قلب و جان!

۱. تحف العقول.

درس هفتاد و نهم

امام غائب(علیه السلام)

قِيلَ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ؟

قَالَ كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ (۱)

ترجمه

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند:

چگونه مردم از وجود امام غائب و پنهان بهره می گیرند؟

امام فرمود: همان گونه که از آفتاب در پشت ابرها!

شرح کوتاه

نور آفتاب سرچشمه تمام جنبش های حیاتی در روی کره زمین است و هیچ موجود زنده ای بدون آن قادر به ادامه حیات نیست، و همین گونه است نور آفتاب وجود امام و رهبران آسمانی در زندگی معنوی و انسانی بشر.

آفتاب در پشت ابر، درست مانند یک چراغ در پشت شیشه مات، قسمت قابل توجهی از نور خود را به بیرون می فرستد و ظلمت شب را از میان می برد و روی گیاهان و موجودات زنده اثر می گذارد، همین طور برکات روحانی و معنوی امام (علیه السلام) حتی از پشت پرده غیبت به جهان انسانیت می تابد؛ منتها همان طور که هر عمارتی به اندازه روزنه های خود از روشنایی آفتاب استفاده می کند، بهره مردم از نور آفتاب ولایت نیز متناسب با چگونگی و مقدار ارتباط و پیوند آنها با اوست.

۱. بحارالنوار، جلد ۵۲، صفحه ۹۲.

درس هشتم

پای هر سخن منشین!

امام جواد (علیه السلام) می فرماید:

مَنْ أَصْعَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُنْطِقُ عَنْ لِسَانِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ (۱)

ترجمه

کسی که به سخنگویی گوش فرا دهد، او را پرستش کرده است. بنابراین اگر از خدا می گوید، خدا را پرستش کرده، و اگر از زبان ابلیس می گوید، ابلیس را پرستیده است!

شرح کوتاه

سخن هرچه باشد و از هرکس باشد اثر دارد؛ و گوش فرادادن به سخنان این و آن معمولاً با تأثیر آن در دل آدمی همراه است، و از آن جا که هدف سخنگویان مختلف است، جمعی سخنگوی حقد و جمع سخنگوی باطل، و خضوع در برابر هریک از این دو گروه یک نوع پرستش است، زیرا روح پرستش چیزی جز تسلیم نیست، بنابراین آنها که به سخنان حق گوش می دهند، پرستندگان

حقد و آنها که سخنگویان باطل گوش فرا می دهند، پرستندگان باطلند، پس باید از رونق دادن به محفل سخنگویان باطل پرهیز کرد و اجازه نداد که سخنان تاریک آنان از مجرای گوش به اعماق جان برسد.

۱. کتاب تحف العقول، صفحه ۳۳۹.

درس هشتاد و یکم

شیطان صفتان

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود:

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ لَا يُبَالِي مَا قَالَ أَوْ مَا قِيلَ فِيهِ فَإِنَّهُ لَبَغِيَّةٌ أَوْ شَيْطَانٌ (۱)

ترجمه

هنگامی که ببینید کسی نسبت به آنچه می گوید یا درباره او گفته می شود اعتنایی ندارد، بدانید یا آلوده دامن است یا شیطان.

شرح کوتاه

فرو رفتن در انواع گناهان کار را به جایی می رساند که انسان در برابر انواع تهمت ها بی تفاوت می شود، نه نسبت به آنچه درباره دیگران می گوید اعتنایی دارد، و نه نسبت به آنچه درباره او بگویند - به هر کس هر نسبتی می دهد و از هر نسبتی که به او بدهند ناراحت نمی شود - آنها افرادی بی شخصیت و بی ارزش و شیطان صفتند.

۱. بحارالانوار، جلد ۷۴، صفحه ۱۴۷.

درس هشتاد و دوم

عید واقعی

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهَ صِيَامَهُ وَشَكَرَ قِيَامَهُ وَكُلَّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهَ فِيهِ فَهُوَ عِيدٌ (۱)

ترجمه

این روز (روز عید فطر) عید کسانی است که روزه های آنها مقبول و عبادت آنها مورد قبول پروردگار واقع شده است؛ و هر روز که در آن گناه نکنی روز عید است.

شرح کوتاه

جشن و شادمانی به دنبال یک ماه روزه ماه مبارک رمضان، در حقیقت جشن پیروزی بر هوای نفس، و جشن اطاعت فرمان خداست. بنابراین چنین روزی تنها عید کسانی است که در انجام این فریضه بزرگ الهی و درک فلسفه نهایی آن پیروز شده اند،

ولی برای روسیاهانی که پاس احترام این ماه با عظمت و برنامه تعلیم و تربیت آن را نگاه نداشتند چیزی جز روز عزا و شرمساری نیست.

۱. نهج البلاغه کلمات قصار حکمت ۴۲۸.

درس هشتاد و سوم

سرمایه های ارزشمند

پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَلَا إِلَى أَمْوَالِكُمْ وَإِنَّمَا يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ(۱)

ترجمه

خداوند به صورت ها و اموال نمی نگرد، بلکه به دلها و اعمال شما نگاه می کند.

شرح کوتاه

در حالی که مقیاس ارزشیابی شخصیت افراد در غالب اجتماعات، سرمایه های مادی و امتیازات جسمانی است، اسلام صریحاً می گوید: انتخاب این امور به عنوان مقیاس سنجش شخصیت، یک انتخاب نادرست است؛ بلکه آنچه خدا به آن می نگرد و در ترازوی حقیقت وزن دارد، فکر و عمل است، فکر پاک که سرچشمه اعمالی پاک شود؛ و در دادگاه پروردگار تنها صاحبان این دو سرمایه پیروزند.

۱. کتاب محبّه البيضاء، جلد ۶، صفحه ۳۱۲.

درس هشتاد و چهارم

دو چیز مایه هلاکت مردم است

امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) می فرماید:

أَهْلَكَ النَّاسَ إِثْنَانِ خَوْفُ الْفَقْرِ وَطَلَبُ الْفَخْرِ(۱)

ترجمه

دو چیز مردم را به هلاکت افکنده است، وحشت و ترس از فقر و تمنای افتخارات موهوم!

شرح کوتاه

اگر درباره علل افزایش تجاوزها، سرقت ها، رشوه خواری ها، دزدی ها، کم فروشی ها در اشکال مختلف، و همچنین تلاش های بی رویه آزمندانه و چپاولگرانه جمع کثیری از مردم دقت کنیم، می بینیم که دو عامل فوق اثر عمیقی در پیدایش این رویدادها دارد، عده ای با داشتن همه چیز، فقط به خاطر ترس از فقر و یا به قول خودشان برای تأمین آینده، دست به کار خلافی می زنند، و

جمعی نیز آرامش زندگی و روح خود را فدای چشم هم چشمی ها و جلب افتخارات موهوم می کنند؛ در حالی که اگر این دو صفت زشت را رها کنند، به آسودگی زندگی خواهند نمود.

۱. تحف العقول.

درس هشتاد و پنجم

کار خوب کم نیست

امام سجاد(علیه السلام) فرمود:

لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ تَقْوَى وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَلُ (۱)

ترجمه

کاری که با اخلاص و پرهیزگاری توأم باشد، هر قدر به ظاهر کم باشد، کم نیست، چگونه ممکن است عملی که مقبول درگاه خداست، کم باشد؟!

شرح کوتاه

قرآن مجید می گوید: «خداوند تنها اعمالی را می پذیرد که با تقوا و نیت پاک همراه باشد»، بنابراین باید بیش از هر چیز به پاک نیت و اخلاص و تقوا توجه کرد نه به کمیّت عمل؛ زیرا چنین عملی هر قدر هم کم باشد، پر ارزش است، چون مقبول درگاه خداست. آیا عملی که مقبول درگاه او باشد، کم محسوب می شود؟! کوتاه سخن این که، انبوه اعمال تو خالی و ناخالص و ریا کارانه، بی ارزش است و کم وزن، ذره ای عمل پاک و خالص و صادقانه، پر ارزش است و سنگین قدر!

۱. از کتاب تحف العقول، صفحه ۲۰۱.

درس هشتاد و ششم

خطا مکن و عذر خواه

امام حسین(علیه السلام) فرمود:

إِيَّاكَ وَمَا تَعْتَذِرُ مِنْهُ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُسِيئُ وَلَا يَعْتَذِرُ وَالْمُنَافِقُ كُلُّ يَوْمٍ يُسِيئُ وَيَعْتَذِرُ (۱)

ترجمه

کار بدی مکن که ناگریز از عذرخواهی باشد، زیرا انسان با ایمان، نه بدی می کند و نه عذر می خواهد؛ ولی منافق همه روز بدی می کند و پوزش می طلبد.

شرح کوتاه

از هرکسی خطا ممکن است سر زند، ولی افراد با ایمان و منافق در این جا یک فرق دارند، افراد با ایمان می کوشند کمتر خلاف کنند تا نیازی به عذر خواستن نداشته باشند؛ زیرا می دانند عذرخواهی - بالاخره - رو را سفید نمی کند، ولی منافقان پروایی از بدی و تخلف ندارند و پی در پی پوزش می طلبند، و این خود یکی از نشانه های نفاق است که ظاهرش به حکم عذر خواهی دلیل ندامت است، و باطنش به حکم تکرار دلیل عدم پشیمانی.

۱. از کتاب تحف العقول، صفحه ۱۷۷.

درس هشتاد و هفتم

بدترین طرز زندگی

امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) فرمود:

أَسْوَأُ النَّاسِ مَعَاشًا مَنْ لَمْ يَعْشُ غَيْرَهُ فِي مَعَاشِهِ (۱)

ترجمه

بدترین مردم - از نظر زندگی اقتصادی - کسی است که به دیگران در معاش خود معاش ندهد و در زندگی او زندگی نکنند.

شرح کوتاه

یک اقتصاد سالم، اقتصادی است که پیوندهای اجتماعی را محکم کند و همه افراد جامعه را در بر گیرد، آن جا که رشته های مختلف اقتصادی در مسیر منافع افراد معینی قرار می گیرد، سرطان اقتصادی است، نه اقتصاد سالم؛ و همان طور که امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) فرمود، این بدترین نوع معاش و زندگی اقتصادی است.

۱. از کتاب تحف العقول، صفحه ۳۳۴.

درس هشتاد و هشتم

وعده های ما بدهی ماست

امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) فرمود:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَرَى وَعَدْنَا عَلَيْنَا دَيْنًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) (۱)

ترجمه

ما خاندانی هستیم که وعده های خود را همانند دیون خود می دانیم، همان طور که پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) چنین بود.

شرح کوتاه

بدهی تنها آن نیست که انسان چیزی را از کسی بگیرد و مقابل آن را بدهکار شود، کسانی که به دیگران وعده می دهند، در

حقیقت کاری به دمه می گیرند و مسؤولیتی را می پذیرند و در حقیقت یک دین اخلاقی غیر قابل انکاری دارند.

وفای به عهد نشانه شخصیت و ایمان و بزرگی و صدق و راستی و موجب تحکیم مبانی اطمینان عمومی در جامعه، و زنده کننده روح همکاری های اجتماعی است؛ و به همین دلیل در اسلام، فوق العاده روی وفای به عهد تکیه شده است.

۱. از کتاب تحف العقول، صفحه ۳۳۳.

درس هشتاد و نهم

اموال حرام

حضرت امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَصَابَ مَالًا مِنْ حَرَامٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ حَجٌّ وَلَا عُمْرَةٌ وَلَا صَلَةٌ رَحِمًا! (۱)

ترجمه

هرگاه انسان، مالی را از طریق نامشروع به دست آورد، نه حج و عمره با آن مال قبول است و نه صله رحم!

شرح کوتاه

مقدس بودن هدف - به تنهایی - در منطق اسلام کافی نیست؛ بلکه مقدس بودن وسیله وصول به آن نیز لازم است، آنها که دلخوشند کارهای نیکی انجام می دهند، اما به وسیله ای که با آن، کار نیک را انجام می دهند نمی اندیشند، از این حقیقت غافلند که تا وسیله پاک و مقدس نباشد، هیچ یک از آنها مقبول درگاه خداوند نخواهد شد، زیرا خدا تنها از پرهیزکاران قبول می کند (انما يتقبل الله من المتقين).

۱. سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۲۱۳.

درس نودم

تا می توانی از کسی چیزی نخواه!

حضرت امام سجاد(علیه السلام) فرمود:

طَلَبُ الْخَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ لِلْحَيَاةِ وَمَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ وَاسْتِخْفَافٌ بِالْوَقَارِ وَهُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ (۱)

ترجمه

تقاضا نزد مردم بردن، خواری در زندگی است و نابود کننده حیا و سبک کننده شخصیت انسان؛ و فقری است که آدمی آن را برای خود فراهم می سازد.

شرح کوتاه

بعضی از مردم به گمان فرار از فقر، خود را به دست فقر می سپارند، و با بردن تقاضاهای غیر ضروری به نزد این و آن، خود را وابسته و نیازمند می سازند و شخصیت انسانی خویش را در هم می کوبند.

اسلام به پیروان خود دستور می دهد که تا آن جا که توانایی دارند، روی پای خود بایستند و از «زندگی اتکالی» بپرهیزند که، بی نیازی بوسیله دیگران، عین نیازمندی است.

۱. از کتاب تحف العقول، صفحه ۲۰۱.

درس نود و یکم

وای بر چنین کسی!

امام سجاد(علیه السلام) فرمود:

يَا سَوَاتَاهُ لِمَنْ غَلَبَتْ إِحْدَاتُهُ عَلَى عَشْرَاتِهِ! (۱)

ترجمه

اسفا بر آن کسی که آحادش بر عشراتش پیشی گیرد!

شرح کوتاه

قرآن مجید می گوید: «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسيئة فلا يجزي الا مثلها» آن کس که کار نیکی انجام دهد،

ده برابر پاداش می گیرد؛ ولی کسی که گناهی مرتکب شود، فقط به همان مقدار کیفر می بیند.» (۲)

با توجه به این آیه، تفسیر حدیث فوق روشن می شود:

بیچاره کسی که، اطاعت فرمان خدا را با آن همه پاداش عظیم رها کند و تن به گناه در دهد.

۱. از کتاب تحف العقول، صفحه ۲۰۳.

۲. سوره انعام آیه ۱۶۱.

درس نود و دوم

حل مشکل از گناه مخواه!

امام حسین(علیه السلام) فرمود:

مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَتْ أَفْوَتُهُ لِمَا يَرْجُوا وَ أَسْرَعُ لِمَا يَحْذَرُ (۱)

ترجمه

آن کس که انجام کاری را از طریق عصیان پروردگار بطلبد، آنچه را که امید دارد، زودتر از دست می دهد؛ و از آنچه می ترسد

زودتر در آن واقع می شود!

شرح کوتاه

بعضی چنین می پندارند که اگر از وسایل نامشروع برای رسیدن به اهدافشان بهره بگیرند، زودتر به مراد می رسند، در حالی که حدیث فوق می گوید، مراد خود را زودتر از دست می دهند و در چاله هایی که از آن وحشت دارند زودتر می افتند، فی المثل از تحصیل ثروت نامشروع آرامش می طلبد در حالی که قبل از هر چیز در شعاع آن - آرامش را از دست می دهد، و گرفتار پریشانی ها و اضطراب هایی که از آن وحشت داشت، می شود.

۱. از کتاب تحف العقول، صفحه ۹۷۷.

درس نود و سوم

از خود راضی ها!

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثَرَ السَّخِطُ عَلَيْهِ (۱)

ترجمه

کسی که از خودش راضی باشد، افراد ناراضی از او بسیار خواهند بود.

شرح کوتاه

حب ذات و علاقه به خویشتن، اگر چه در حدود متعادل برای ادامه حیات لازم است، ولی اگر به حد افراط برسد سر از «خودخواهی» «خود رضایی» در می آورد.

افرادی که از خود راضی هستند هرگز عیوب خود را نمی بینند، خود را وظیفه شناس، پاک، بدون عیب، جدی و فعال و دوست داشتنی و گل سر سبد اجتماع می بینند، و به همین دلیل توقع فراوان بی دلیلی از مردم دارند، و همین موضوع سرچشمه سرازیر شدن سیل خشم مردم به سوی آنان می گردد.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۶.

درس نود و چهارم

خویشاوندان دور و نزدیک

امام مجتبی(علیه السلام) می فرماید:

الْقَرِيبُ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ بَعُدَ نَسَبُهُ وَالْبَعِيدُ مَنْ بَاعَدَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ قَرَّبَ نَسَبُهُ (۱)

ترجمه

خویشاوندان نزدیک آنها هستند که محبت بیشتری دارند، اگر چه نسب آنها دورتر باشد، و خویشاوندان دور آنها هستند که محبت کمتری دارند، اگر چه نسبشان نزدیکتر باشد.

رابطه خویشاوندی در اسلام از مهم ترین روابط اجتماعی؛ و در واقع در دل جامعه بزرگ انسانی، گروه های فشرده تری به وجود می آورد که همکاری نزدیکتری با هم خواهند داشت، و در حل مشکلات حیاتی با یکدیگر تعاون و همکاری خواهند نمود.

ولی مقیاس خویشاوندی در اسلام (طبق روایت بالا) به محبت و مودت است، نه تنها به نزدیکی رابطه نسبی!

۱. از کتاب تحف العقول، صفحه ۱۶۵.

درس نود و پنجم

ترک عادت

امام حسن عسکری (علیه السلام) می فرماید:

رَدُّ الْمُعْتَادِ عَنْ عَادَتِهِ كَالْمُعْجِزِ (۱)

ترجمه

ترک دادن اعتیادهای غلط افراد، همانند معجزه است!

شرح کوتاه

عادت یکی از مواهب بزرگ الهی است، زیرا کارهای مشکل را برای انسان آسان می کند و بسیاری از کارهای پیچیده و ضروری زندگی (مانند سخن گفتن، راه رفتن و امثال آنها) را به طور خود کار در می آورد.

ولی همین عادت، اگر در کارهای غلط مورد سوء استفاده واقع شود، شکل اعتیاد خطرناکی را به خود می گیرد که ترک آن غالباً مشکل است؛ تا آن جا که حضرت امام عسکری (علیه السلام) آن را در سر حد یک معجزه قرار داده است. بنابراین، باید کوشید، پیش از آن که اعمال زشت به صورت عادت در آید، آن را ترک گفت.

۱. بحارالانوار، جلد ۱۷، صفحه ۲۱۷.

درس نود و ششم

حماسه کربلا

امام حسین (علیه السلام) می فرماید:

ترجمه

بخدا سوگند هرگز - همانند افراد ذلیل - دست در دست آنها نمی گذارم و همانند بردگان فرار نمی کنم ... من مرگ را جز سعادت،

و زندگی و ستمگران با جز مایه ملالت و بدبختی نمی بینم!

شرح کوتاه

کربلا حماسه بزرگ و جاویدان تاریخ بشر است.

کربلا مرکز بزرگترین دانشگاه انسان سازی است.

عاشورا یک روز فراموش نشدنی در تاریخ اقوام و ملت هایی است که می خواهند سربلند بمانند، سربلند زندگی کنند و سربلند بمیرند و دو جمله بالا که از دو گفتار امام حسین(علیه السلام) گرفته شده دو نشانه روشن از این حقیقت است.

۱. مقتل الحسین، صفحه ۲۴۶ و ۲۵۶.

درس نود و هفتم

عاقل کیست؟

از حضرت امیرمؤمنان علی(علیه السلام) تقاضا کردند: عاقل را برای ما توصیف کن، فرمود:

الْعَاقِلُ هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ (۱)

ترجمه

عاقل کسی است که هر چیز را به جای خود می نهد.

شرح کوتاه

در میان مفهوم و معنای عقل، سخن بسیار گفته اند؛ اما جمله کوتاه فوق بهترین تعبیری است که در این زمینه وارد شده است.

عقل چیزی جز این نیست که هر چیز را به جای خود نهند، هر شخصی را در محل شایسته و مناسب خود در اجتماع قرار دهند، غم

و شادی، دوستی و دشمنی، نرمش و خشونت، محبت و شدت عمل، عبادت، کسب و کار و تفریح سالم و هر کار دیگر را در جای

خود و به وقت خود انجام دهند.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار.

درس نود و هشتم

علت دشمنی

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

الْأَنَاسُ أَعْدَاءُ جَهْلِهِمْ (۱)

ترجمه

مردم دشمن چیزهایی هستند که نمی دانند.

شرح کوتاه

بعضی از مردم را می بینیم که بسیاری از حقایق را انکار می کنند و بر ضد آن بپا می خیزند و دلیلی برای آن جز نادانی و بی خبری نمی یابیم. این گفتار حکیمانه مخصوصاً درباره مسائل دینی کاملاً صدق می کند؛ در حقیقت اگر بعضی از مردم، حتی بعضی از کسانی که در علوم دیگر استادند، آنها را انکار می کنند و به دشمنی با آن بر می خیزند، هنگامی که دقت می کنیم می بینیم به عمق و فلسفه مذهب و مسائل مذهبی نرسیده اند و گرنه هرگز راه انکار را نمی پویدند و این واقعیت کراً آزمایش شده است.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، جمله ۱۷۲.

درس نود و نهم

غیرتمندان

پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَنْ عِبَادِهِ الْغُيُورَ(۱)

ترجمه

خداوند متعال بندگان غیرتمند خود را دوست دارد.

شرح کوتاه

غیرت در حقیقت به معنای وفاداری نسبت به حفظ دین یا ناموس یا آب و خاک کشور اسلام و یا سایر مواهب الهی است. شخص غیور کسی است که خود را متعهد و مسئول در برابر حفظ این امور می داند و از دستبرد و تجاوز بیگانه به آنها فوق العاده ناراحت می شود.

غیرت یکی از صفات برجسته پیغمبران و مردان خداست؛ درباره ابراهیم(علیه السلام)قهرمان بت شکن می خوانیم: «ان ابراهیم کان غیورا» خلاصه غیرت سدّ نیرومندی در برابر هجوم بیگانگان است.

۱. نهج الفصاحه، صفحه ۱۵.

درس صدم

یک موجود پر برکت

پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمود:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ مَثَلُ النَّخْلَةِ مَا أَخَذَتْ مِنْهَا مِنْ شَيْءٍ نَفَعَكَ(۱)

ترجمه

انسان با ایمان همانند درخت نخل است؛ هر چیز از آن برگیری مفید و سودمند است.

شرح کوتاه

درخت نخل راستی از درختان بسیار پر برکت است، میوه آن را می خورند و از بهترین غذاهاست، هسته آن را گاهی می سوزانند، از برگ آن حصیر و کلاه و سفره و مانند آن می بافند، چوب آن را در ساختمان عمارت های ساده به کار می برند و حتی گاهی از آنها بعنوان پل برای گذشتن از نهرها استفاده می کنند، از طلع (شکوفه) آن یک نوع اسانس معطر و مفید می گیرند، خلاصه هیچ جزئی از آن بی فایده و دور ریختنی نیست!

افراد با ایمان نیز در سطح خودشان چنینند، فکرشان مفید، گفتارشان سودمند، جلساتشان آموزنده، مکتبشان سازنده، در دوستی با وفا، در تصمیمات محکم، و خلاصه همه چیز آنها ارزنده اند.

۱. نهج الفصاحه، صفحه ۵۶۴.

درس صد و یکم

بهترین دست ها

پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود:

الْأَيْدِي ثَلَاثَةٌ: سَائِلَةٌ وَمُمْسِكَةٌ وَ مُنْفِقَةٌ وَ خَيْرُ الْأَيْدِي مُنْفِقَةٌ! (۱)

ترجمه

دستها سه گونه اند: دست گیرنده، و دست نگهدارنده، و دست دهنده، و بهترین دست ها دست دهنده است!

شرح کوتاه

اسلام سعی دارد پیروان خود را با همّتی بلند و کوششی و تلاشی وسیع و عاطفه ای پرمایه پرورش دهد، و به همین دلیل به همه پیروان خود توصیه می کند تا می توانند از کسی چیزی نخواهند و دست تمنی پیش کسی دراز نکنند، نه فقط از کسی چیزی نخواهند، آنچه را دارند نیز در انحصار خود قرار ندهند، بلکه تا می توانند از آن در اختیار دیگران بگذارند و روی همین جهت در حدیث فوق می خوانیم بهترین دست ها دست دهنده است.

۱. تحف العقول، صفحه ۳۲.

درس صد و دوم

بدتر از مرگ

امام حسن عسکری(علیه السلام) می فرماید:

خَيْرٌ مِنَ الْحَيَاتِ مَا إِذَا فَقَدْتَهُ أَبْغَضْتَ الْحَيَاتِ! وَ شَرٌّ مِنَ الْمَوْتِ مَا إِذَا نَزَلَ بِكَ أَحْبَبْتَ الْمَوْتِ! (۱)

ترجمه

از زندگی بهتر، چیزی است که اگر آن را از دست دهی از زندگی بیزار می شوی! و بدتر از مرگ چیزی است که هرگاه بر تو نازل گردد از مرگ استقبال می کنی!

شرح کوتاه

بعضی تصور می کنند بالاترین ارزش ها ارزش این زندگی مادی است در حالی که از آن ارزشمندتر فراوان است، در زندگی لحظاتی پیش می آید که انسان آرزوی مرگ می کند و حقایقی وجود دارد که با رضایت کامل جان شیرین خود را فدای آن می سازد. شهدای راه خدا، راه فضیلت و حق پرستی، آنها بودند که حقیقت این گفته پر معنای امام عسکری(علیه السلام) را دریافته بودند و آن جا که زندگی را ناگوار و مرگ را درپچه ای به جهانی وسیع تر، به خشنودی و رضای پروردگار می دیدند با آن وداع، و از این استقبال می کردند.

۱. تحف العقول، صفحه ۳۶۸.

درس صد و سوم

فرق میان مؤمن و منافق

پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

إِذَا رَأَيْتُمُ الْمُؤْمِنَ صَمُوتًا فَادْنُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقِي الْحِكْمَةَ وَالْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ وَالْمُنَافِقُ كَثِيرُ الْكَلَامِ قَلِيلُ الْعَمَلِ (۱)

ترجمه

هنگامی که شخص با ایمان را خاموش یافتید به او نزدیک شوید که سخنان حکمت آمیز از او خواهید شنید - افراد با ایمان کم حرف و پرکارند ولی منافقان پر سخن و کم عملند!

شرح کوتاه

نیروی انسانی نامحدود و پایان نیافتنی نیست، به همین دلیل هنگامی که انرژی های انسان در یک مسیر زیاد به کار افتند در جای دیگر گرفتار کمبود می گردد، بنابراین جای تعجب نیست که افراد پرگو و پر حرف افرادی کم عمل و کم کار هستند. پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) که در هر جا و در همه چیز طرفدار اثر مثبت است نشانه افراد با ایمان را تلاش در راه عمل، به جای سخن، می داند، در حالی که برای افراد منافق صفتی عکس آن قائل است.

۱. از کتاب تحف العقول، صفحه ۲۹۶.

درس صد و چهارم

بهترین میراث

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

بهترین میراثی که پدران برای فرزندان می گذارند ادب است.

شرح کوتاه

ادب همان برخوردهای شایسته و ارتباط های آمیخته با احترام و بزرگواری است، ادب گاهی در برابر خلق خدا، و گاهی در برابر خداست، و در هر صورت یکی از بزرگترین سرمایه های انسانی است که رمز موفقیت در همه زمینه ها می باشد. و به همین دلیل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بالاترین میراثی را که پدر برای فرزندش باقی می گذارد ادب شمرده است، ادب سرچشمه محبت و صفا و دوستی و اتحاد، و عامل مهمی برای تأثیر سخن و پیشرفت برنامه های اجتماعی است.

۱. غرر الحکم، صفحه ۳۹۳.

درس صد و پنجم

احترام به آزادی فکر

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود:

بَسُّ الْقَوْمِ قَوْمٌ يَمْشِي الْمُؤْمِنُ فِيهِمْ بِالتَّقِيَّةِ وَالْكِتْمَانِ (۱)

ترجمه

آنها که فرد مؤمن ناچار است در میان آنان با تقیه و کتمان زندگی کند بد مردمی هستند!

شرح کوتاه

تقیه و کتمان معمولاً از این جا ناشی می شود که یک اکثریت خود خواه اجتماع مانع از آن می شود که اقلیت صالح افکار خود را ابراز کند و عقاید خود را بازگو نماید، مسلماً چنین جامعه ای جامعه سعادت‌مندی نخواهد بود، در یک جامعه اسلامی و انسانی باید افراد صالح این حق را داشته باشند که عقاید خود را بدون تقیه و کتمان در معرض افکار عمومی بگذارند و عوام مردم نه تنها نباید سد راه چنان افرادی شوند، بلکه علاوه بر احترام به آزادی فکر در مسیرهای سازنده، امکانات پرورش و به ثمر رساندن بن افکار را فراهم سازند.

۱. نهج الفصاحه.

درس صد و ششم

این شش صفت در مؤمنان نیست

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود:

سِنَّهُ لَا تَكُونُ فِي مُؤْمِنٍ: الْعُسْرُ وَالنَّكَدُ وَالْحَسَدُ وَاللَّجَاجَةُ وَالْكَذِبُ وَالْبَغْيُ(۱)

ترجمه

شش چیز است که در افراد با ایمان وجود ندارد: سختگیری، کج خلقی حسد، لجاجت، دروغ و ظلم و ستم!

شرح کوتاه

آنها که از ایمان تنها به نام قناعت کرده اند، مؤمنان خیالی هستند نه واقعی، حداقل در یک فرد با ایمان باید صفات زشت ششگانه بالا نباشد، جالب این که صفات بالا همه بازگشت به روابط و پیوند انسانها به یکدیگر و مسائل اجتماعی می کند، مؤمنان راستین آنها هستند که آسان گیر خوش خلق، خیرخواه، تسلیم در برابر حق، راستگو و عادل و دادگرند، و انتخاب این نام مقدس و بزرگ بدون داشتن این صفات زشت است و نادرست!

اکنون بیازماییم مؤمن هستیم یا نه!

۱. از تحف العقول، صفحه ۲۸۲.

درس صد و هفتم

همه پیوندها را قطع مکن

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

إِتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَىٰ وَإِنْ قَلَّ وَدَعَّ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ سِتْرًا وَإِنْ رَقَّ! (۱)

ترجمه

از خدا ملاحظه کن و بپرهیز هر چند کم باشد و میان خود و او پرده ای نگاهدار هر چند نازک باشد.

شرح کوتاه

کسانی هستند که وقتی در مسیر گناه و خطا گام نهادند آنچنان پیش می تازند که تمام پیوندها را در میان خود و خدا قطع می کنند، همه پل ها را پشت سر خود ویران ساخته و تمام درهای بازگشت را به روی خود می بندند و به اصطلاح به سیم آخر می زنند.

امام صادق(علیه السلام) در گفتار حکمت آمیز فوق می گوید لاقلاً راه بازگشت را به روی خود مبنند و تمام پرده را پاره مکن، بگذار آن روز که پشیمان می شوی راه برگشت داشته باشی.

۱. تحف العقول، صفحه ۲۶۸.

درس صد و هشتم

عبادت واقعی

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) به کمیل فرمود:

يَا كَمِيلُ! لَيْسَ الشَّانُ أَنْتَ تُصَلِّيَ وَتَصُومَ وَتَتَصَدَّقَ، الشَّانُ أَنْ تَكُونَ الصَّلَاةُ بِقَلْبِ نَقِيٍّ وَ عَمَلٌ عِنْدَ اللَّهِ مَرْضِيٌّ وَ خُشُوعٌ سَوِيٌّ (۱)

ترجمه

ای کمیل! مهم این نیست که نماز بخوانی و روزه بگیری و در راه خدا انفاق کنی، مهم این است که نماز (و سایر اعمال تو) با قلبی پاک و به طرزی شایسته در پیشگاه خدا و آمیخته با خشوع بوده باشد.

شرح کوتاه

جنبه های واقعی اعمال و چگونگی و کیفیت عمل است که ارزش واقعی آن را تعیین می کند نه ظاهر و مقدار آن، همان طور که علی(علیه السلام) به کمیل تأکید می کند که به جای پرداختن به ظاهر و اهمیّت دادن به زیادی مقدار، به روح علم پردازد، زیرا هدف نهایی از این اعمال خیر تربیت و پرورش و تکامل انسان است و آن در گرو پاکی عمل است نه زیادی عمل.

۱. تحف العقول، صفحه ۱۱۷.

درس صد و نهم

عیب خود را فراموش نکن

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَبْدَ يَتَفَقَّدُ الذُّنُوبَ مِنَ النَّاسِ نَاسِيًا لِذَنْبِهِ فَاعْلَمُوا أَنَّهُ قَدْ مُكْرِبِهِ (۱)

ترجمه

هنگامی که ببیند کسی در جستجوی گناه مردم و خرده گیری بر آنهاست اما گناهان خود را فراموش کرده بدانید که به مجازات الهی گرفتار شده است.

شرح کوتاه

بسیارند آنهایی که در انتقاد از دیگران بسیار جسور و نکته سنج و باریک بین هستند در حالی که از خود بکلی بی خبرند و طبق مثل معروف خاری را در پای دیگران می بینند اما شاخه درختی را که در چشمشان فرو برود نمی بینند!

این دسته از افراد مسلماً بر اثر غوطهور شدن در گناه و خودپسندی و خودخواهی پرده های غرور و بی خبری بر چشمهایشان افکنده شده و در بیراهه ها سرگردانند. سعادت مند کسی است که آنچه را بر دیگران عیب می گیرد نخست از خود دور کند.

۱. تحف العقول، صفحه ۲۷۱.

درس صد و دهم

شکجه بزرگ

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ (۱)

ترجمه

آن کسی که دارای سوء خلق است خود را شکنجه می دهد.

شرح کوتاه

معمولاً می گویند افراد بد اخلاق که با همه کس ترشرویی می کنند باعث شکنجه دوستان و اطرافیان و بستگان خود هستند؛ در حالی که بزرگترین شکنجه ها را خودشان می بینند که شهد زندگی حیات را در کام خود تلخ و آب زلال را ناگوار می سازند. افراد کج خلق عمرشان کوتاه، و روحشان ناراحت، و جسمشان در عذاب است، و بیش از هر کس خودشان رنج می برند. حسن خلق یکی از عباداتی است که اسلام پیروان خود را با تأکید فراوان به آن دعوت کرده است و یک عامل مهم وصول به بهشت جاودان شمرده شده است.

۱. تحف العقول، صفحه ۲۷۰.

درس صد و یازدهم

طراوت قرآن

امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلِ الْقُرْآنَ لِزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهَوَّ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱)

ترجمه

خداوند قرآن را برای زمان خاصی قرار نداده و نه برای جمعیت خاصی، و لذا در هر زمانی تازه و نزد هر جمعیتی با طراوت است.

شرح کوتاه

سخن فوق را امام(علیه السلام) در پاسخ کسی فرمود که سؤال کرده بود چرا قرآن با تکرار مطالعه و تلاوت و نشر کهنه نمی شود؟ امام با این گفتار اشاره پرمعنایی به این حقیقت می کند که قرآن مخلوق جهان ماده و افکار زودگذر و متغیر بشر نیست که گرد و غبار فرسودگی با گذشت زمان روی آن بینشیند، بلکه از علم و دانش خداوند بزرگی سرچشمه گرفته که وجودش ازلی و ابدی است و لذا هر چه آن را بخوانند تازه تر و جالب تر است - و راستی یکی از نشانه های عظمت قرآن همین نشانه است.

۱. سفینه البحار، جلد ۲، صفحه ۴۱۳.

درس صد و دوازدهم

از هواپرستی بترس!

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

اخْذَرُوا أَهْوَاءَكُمْ كَمَا تَخْذَرُونَ أَعْدَاءَكُمْ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَعْدِينَ لِلرِّجَالِ مِنْ اتِّبَاعِ أَهْوَائِهِمْ وَحَصَائِدِ أَلْسِنَتِهِمْ(۱)

ترجمه

از هوس ها بترسید همان طور که از دشمنان (سر سخت) خود می ترسید زیرا برای انسان هیچ چیز دشمن تر از پیروی هوس ها و نتایج زبان او نیست!

شرح کوتاه

بدون شک دشمنان داخلی از دشمنان خارجی خطرناکترند و به همین دلیل هوس های سرکش که از درون وجود انسان او را تحت تأثیر قرار می دهند از هر دشمنی برای انسان خطرناکتر محسوب می شود.

هواپرستی چشم و گوش انسان را کر و کور می کند. فروغ عقل را می گیرد، چهره حقایق را در نظر او دگرگون می سازد و سرانجام وی را به پرتگاه فساد می کشاند.

۱. سفینه البحار - جلد دوم، ماده «هوی».

درس صد و سیزدهم

تنها راه شیعه بودن

امام باقر(علیه السلام) به جابر جعفی فرمود:

بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ وَأَعْلِمِهِمْ أَنَّهُ لَا قَرَابَةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلَا يُتَقَرَّبُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ لَهُ(۱)

ترجمه

سلام مرا به شیعیان من برسان و به آنها بگو میان ما و خداوند خویشاوندی نیست، بلکه تنها راه نزدیکی به خدا اطاعت فرمان اوست.

شرح کوتاه

بسیار هستند که گمان می برند تنها ادعای تشیع و علاقه به خاندان پیامبر(صلی الله علیه وآله) برای نجات و سعادت آنها کافی است، گویا با این ادعا جزء خویشاوندان امامان خواهند شد، آنها هم خویشاوندی خاصی با خدا دارند و با توصیه و پارتی کارها دست می شود، در حالی که تنها پیوندی که بر روابط مخلوق و خالق حکومت می کند رابطه اطاعت و انجام وظیفه است، هرکس مطیع فرمان او باشد از همه نزدیکتر و هرکس عصیان کند از همه دورتر است، هرکس که باشد.

۱. بحار الانوار، جلد ۱۵، صفحه ۱۶۴.

درس صد و چهاردهم

تناسب ثروت ها و مصرف ها!

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

مَنْ يَكْسِبُ مَالًا مِنْ غَيْرِ حَقِّهِ يَصْرِفُهُ فِي غَيْرِ أَجْرِهِ (۱)

ترجمه

کسی که ثروتی از طریق نامشروع به دست آورد در طریقی که پاداش الهی ندارد مصرف خواهد شد.

شرح کوتاه

این سخن در میان مردم معروف است که هر مالی شایستگی صرف در راه های خیر و مفید و سازنده ندارد، حدیث بالا سندی است برای این اعتقاد عمومی، و به راستی چنین است زیرا بسیار دیده شده که افرادی خواسته اند با اموال خود در راه انجام کار مثبتی شرکت جویند، ولی در نیمه های راه از کار افتاده اند و یا اگر راه را تا پایان رفته اند، عمل انجام یافته آنها، بازده قابل ملاحظه ای نداشته، و یا نتیجه معکوس بخشیده است، اما برعکس چه بسیار افراد با ایمان و پرهیزکاری که با سرمایه بسیار کوچک منشأ خدمات بزرگی شده اند.

۱. از کتاب تحف العقول، صفحه ۶۳.

درس صد و پانزدهم

راستگوترین و داناترین

پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمود:

لِكُلِّ أُمَّةٍ صَدِيقٌ وَ فَارُوقٌ وَ صَدِيقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ فَارُوقُهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (۱)

ترجمه

هر امتی صدیق و فاروقی دارد و صدیق و فاروق این امت علی ابن ابی طالب است.

شرح کوتاه

برای تکمیل برنامه یک مکتب ریشه دار - آن هم یک مکتب جاودانی همانند مکتب اسلام، لازم است که بعد از رحلت پیامبر(صلی الله علیه وآله) آن هم پیامبری که بیشتر دوران رسالتش با درگیری های مختلف، با انواع و اقسام دشمنان سرسخت گذشت - کسی وجود داشته باشد که به تمام رموز آن مکتب آشنا و میان حق و باطل فرق بگذارد (یعنی شایسته نام فاروق باشد) و نیز در بیان و توضیح حقایق کاملاً صادق و راستگو و گویا و صریح اللهجه یعنی (صدیق) باشد، تا هرگونه ابهام برای مردم بعد از درگذشت نخستین رهبر پیدا شود برطرف گرداند، این مقام طبق صریح عبارت بالا مخصوص علی(علیه السلام) بود.

۱. سفینه البحار، جلد ۲، صفحه ۲۲۱.

زندگی ساده و همکاری در اداره خانه

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتَطِبُ وَيَسْتَقِي وَيَكْنِسُ وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ تَطْحَنُ وَ تَعَجِنُ وَ تَخْبِزُ! (۱)

ترجمه

علی(علیه السلام) (برای خانه خود) از بیابان هیزم جمع آوری می کرد و آب می آورد و نظافت می کرد، و فاطمه(علیها السلام) آرد می کرد، و خمیر می نمود و نان می پخت.

شرح کوتاه

از این حدیث کوتاه یک جهان عظمت و روح و بلندی مقام انسانی از بزرگ پیشوای اسلام امیرمؤمنان علی(علیه السلام) و بانوی نمونه جهان فاطمه زهرا(علیها السلام) می بارد، زندگی آنها در نهایت سادگی و بی آلایشی مملو از صفا و صمیمیت و همکاری و همگامی بود، کار عیب نبود و همکاری و تفاهم اصل اساسی محسوب می شد، و بی پیرایگی امتیاز بزرگ آن بود. همان اموری که از خانه و خانواده های امروز رخت بر بسته و به دنبال آن آسایش و آرامش هم رفته است.

۱. سفینه البحار، جلد ۲، صفحه ۱۹۵.

درس صد هفدهم

یک ساعت دادگری

پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود:

عَدْلُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ! (۱)

ترجمه

یک ساعت عدالت و دادگری بهتر از یک سال عبادت است!

شرح کوتاه

عبادت همان پیوند خلق با خالق و ارتباط «ممکن» با «واجب» و توجه به این پیوند و ارتباط است، عبادت ها درس های تربیتی مهمی هستند که در ساختن روح و فکر انسان نقش مؤثر دارند.

اما با این همه در حدیث بالا می خوانیم یک ساعت عدالت کردن از یک سال عبادت (مستحبی) انجام دادن بهتر و بالاتر است.

و در جای دیگر می خوانیم یک ساعت افکار و اندیشه از یک شب (یا از یک سال) عبادت بالاتر است؛ و این تعبیرات اهمیّت فوق العاده «عدالت» و «تفکر» را روشن می سازد، و این هر دو نیز ریشه مشترک دارند، آن جا که عدالت نیست، فکر و اندیشه و خرد نیست!

۱. نهج الفصاحه، صفحه ۴۱۰.

درس صد و هجدهم

طیب حقیقی

پیامبر(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

الطَّيِّبُ اللهُ وَلَعَلَّكَ تَرْفِقُ بِأَشْيَاءٍ تَخْرِقُ بِهَا غَيْرَكَ(۱)

ترجمه

طیب واقعی خداست و شاید چیزهایی برای تو خوب باشد که دیگران از آن زیان می بینند.

شرح کوتاه

حوادثی که در زندگی انسان رخ می دهد «گاهی» از سوء تدبیر و سوء انتخاب یا سوء نیست اوست و بسیاریند حوادث دردناکی که این چنین هستند.

ولی گاهی حوادث ظاهراً نامطلوبی رخ می دهند که هیچ یک از این عوامل موجب آن نشده اند و در واقع حکم داروهایی را دارند که طیب واقعی یعنی خداوند برای بندگان خود تجویز کرده است، این داروها اگر چه تلخند ولی اثر درمانی مهمی دارند، گاهی زنگ بیدار باش، گاهی وسیله توجه به ضعف و ناتوانی انسان و گاهی باعث برطرف شدن غرور اوست.

۱. نهج الفصاحه، صفحه ۴۰۶.

درس صد و نوزدهم

جانشینان پیامبر

پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمود:

لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزاً مَنِيعاً إِلَىٰ اِثْنَيْ عَشَرَ كَلْبُهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ(۱)

ترجمه

این دین همواره سربلند و از دست دشمنان در امان خواهد بود تا دوازده تن آن را رهبری کنند که تمام آنها از قریش هستند.

شرح کوتاه

در موردی خلفای دوازده گانه پیامبر(صلی الله علیه وآله) در معتبرترین کتب اهل تسنن همانند «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» و «صحیح ترمذی» و «صحیح ابو داوود» و «مسند احمد» و کتب فراوان دیگر احادیث صریح و روشنی نقل شده و تعداد مجموع این احادیث از طرق شیعه و اهل تسنن را به ۲۷۱ حدیث برآورد کرده اند! و جالب این است که احادیث فوق را بر هیچ کس از کسانی که بعد از پیامبر(صلی الله علیه وآله) رهبری مسلمانان یا حکومت آنها را برعهده داشتند جز امامان دوازده گانه شیعه نمی توان تطبیق نمود زیرا نه خلفای چهارگانه نخستین و نه خلافتی بنی امیه و نه بنی عباس هیچ کدام مصداق این حدیث نیستند، و لذا دانشمندان اهل تسنن در تفسیر این حدیث معتبر به در دسر عجیبی افتاده اند ولی در مکتب شیعیان اهل بیت تفسیر آن کاملاً روشن است.

۱. از کتاب تیسیر الوصول، نوشته زبیدی شافعی.

درس صد و بیستم

مجلس گناه

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ (۱)

ترجمه

سزاوار نیست افراد با ایمان در مجلسی بنشینند که در آن گناه می شود و توانایی بر تغییر آن را ندارند.

شرح کوتاه

شرکت در مجلس گناه، گناه است اگرچه انسان مرتکب گناهی نشود و با اهل مجلس هم صدا نگردهد، زیرا شرکت در چنان مجلسی

عملاً امضای گناه است، مگر این که هدف او تغییر مسیر آن، و انجام وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر باشد.

بعلاوه مشاهده صحنه های آلوده به گناه در حالی که انسان در برابر آن بی تفاوت بماند، روح را تاریک و زشتی گناه را در نظر کم

می کند، و شخص را به گناه عادت می دهد.

کارهای تولیدی انجام دهید

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

إِزْرَعُوا وَأَغْرِسُوا وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسَ عَمَلًا أَحَلَّ وَلَا أُطِيبَ مِنْهُ (۱)

ترجمه

زراعت کنید و درخت بنشانید، به خدا سوگند مردم عملی حلال تر و پاکتر از این انجام نداده اند.

شرح کوتاه

پایه زندگی انسان ها روی کارهای تولیدی از جمله فرآورده های کشاورزی است، و انواع تجارت ها حتی بسیاری از صنایع، بدون آن مفهومی نخواهد داشت؛ زیرا مواد خام اولیه خود را از کشاورزی می گیرند.

بعلاوه آن قدر که تقلب و تزویر در چیزهای دیگر ممکن است در کشاورزی ممکن نیست؛ زیرا اساس آن بر عوامل و اسباب طبیعی است و عوائد آن صرفاً نتیجه زحمات صادقانه انسانهاست. به همین دلیل در حدیث فوق زراعت و درخت کاری پاکترین و گواراترین کارها شمرده شده است.

۱. سفینه البحار - جلد ۱، صفحه ۵۴۹.

درس صد و بیست و دوم

بلندی و کوتاهی عمر

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

مَوْتُ الْإِنْسَانِ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِنْ مَوْتِهِ بِالْأَجَلِ وَ حَيَاتُهُ بِالْبِرِّ أَكْثَرُ مِنْ حَيَاتِهِ بِالْعُمْرِ (۱)

ترجمه

مرگ زود رس انسانها بر اثر گناه از مرگ طبیعی بیشتر است، و طول عمر افراد بر اثر نیکوکاری از طول عمر به عوامل طبیعی زیادتر می باشد.

شرح کوتاه

بدون شک بسیاری از گناهان و صفات زشت به طور مستقیم عمر را کاهش می دهد (همچون میخواری و قمار و بخل و حسد و کینه توزی) و بسیاری نیز به طور غیر مستقیم از طریق اثر گذاشتن در نابسامانی وضع اجتماع و سلب امنیت عمومی و بروز جنگ ها (مانند رباخواری و ظلم و ستم). و از سوی دیگر نیکوکاری به خاطر اثر عمیقی که در آرامش روح و وجدان دارد می تواند سرچشمه عمر طولانی گردد.

بنابراین گناه، قطع نظر از آثار زیانبار معنوی، یک اثر بارزش کوتاه ساختن عمر آدمی است همان طور که نیکوکاری علاوه بر همه آثار، در طول عمر کاملاً مؤثر است.

۱. سفینه البحار، صفحه ۴۸۹.

درس صد و بیست و سوم

همکاری با شیطان!

امام امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

لَا تَسْبَنَّ إِبْلِيسَ فِي الْعَلَانِيَةِ وَأَنْتَ صَدِيقُهُ فِي السِّرِّ (۱)

به شیطان آشکارا لعن و نفرین مکن در حالی که در باطن با او طرح دوستی داری!

شرح کوتاه

بسیاری از مردم از الفاظ می‌گریزند و وحشت دارند، از لفظ فقر، از لفظ نفاق، و از لفظ شیطان و مانند آن، در حالی که عملاً در آن غرقند.

ثروتمندانی را می‌شناسیم که از ترس فقر همچون فقیران زندگی می‌کنند، افراد منافقی را می‌شناسیم که صد لعن و نفرین به منافقان می‌کنند اما زندگی آنها سراسر نفاق و دورویی است.

شیطان صفتانی را سراغ داریم که در میان مردم پناه بردن به خدا از شر شیطان ورد زبانشان است اما در نهان با او نرد عشق می‌بازند و برای برنامه‌های شیطانی خود همه‌گونه اهمیت قائلند، اینها دشمنان لفظند نه واقعیت.

۱. تراث الائمہ، صفحه ۲۰۹.

درس صد و بیست و چهارم

مشورت کنید تا هدایت شوید!

امام حسن(علیه السلام) می‌فرماید:

مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَى رُشْدِهِمْ (۱)

ترجمه

هیچ جمعیتی در کار خود با یکدیگر مشورت نکردند مگر این که به خیر و صلاح خویش رهنمون شدند.

شرح کوتاه

کار دسته‌جمعی در همه جا سرچشمه خیر و برکت و ترقی و پیشرفت است، مخصوصاً در مسائل فکری و طرح برنامه‌ها و حل

مشکلات که هم فکری و مشورت در آنها اثر اعجاز‌آمیزی دارد.

آنها که به استبداد فکر خو گرفته‌اند، در زندگی خود بسیار گرفتار اشتباه و خسران و زیان می‌شوند، هر فکری جرقه‌ای دارد که در

فکر دیگری نیست، هنگامی که این جرقه‌ها به هم ترکیب شوند شعله‌فروزانی ایجاد می‌کنند که هر تاریکی در پرتو آن روشن

می‌گردد، بیاید همه تصمیم بگیریم که در کارها با افراد بیدار و آگاه مشورت کنیم.

۱. تحف العقول، صفحه ۱۶۴.

درس صد و بیست و پنجم

سلام، درود اسلامی

امام حسین(علیه السلام) می فرماید:

لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً تَسْعُ وَتِسْتُونَ لِلْمُبْتَدَى وَوَاحِدَةٌ لِلرَّادِّ (۱)

ترجمه

سلام ۷۰ حسنه دارد که ۶۹ قسمت آن برای سلام کننده و یک قسمت آن برای پاسخ گوینده است.

شرح کوتاه

در میان تحیت هایی که اقوام مختلف دارند «سلام» درود و تحیت اسلامی، درخشندگی خاصی دارد؛ زیرا هم خوش آمد است و هم نشانه صلح و صفا و دوستی، و هم تقاضای سلامتی از خداوند متعال برای طرف مقابل، به همین دلیل درود بهشتیان نیز سلام است و فرشتگان رحمت با سلام به استقبال نیکان و پاکان می شتابند، اما متأسفانه جمعی از مسلمانان به گمان این که سلام نکردن دلیل شخصیت، و سلام کردن دلیل کوچکی است از انجام این سنت اسلامی سرباز می زنند و از فضیلت بزرگی که در حدیث فوق آمده خود را محروم می سازند.

۱. تحف العقول، صفحه ۱۷۷.

درس صد و بیست و ششم

جدایی عقیده از عمل!

امام علی ابن الحسین(علیه السلام) می فرماید:

أَلَا وَإِنَّ أَعْضُ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ يَقْتَدِي بِسُنَّةِ إِمَامٍ وَلَا يَقْتَدِي بِأَعْمَالِهِ (۱)

ترجمه

منفورتترین مردم در پیشگاه خدا آن کسی است که امام و پیشوایی را به امامت پذیرفته، ولی از اعمال او پیروی نمی کند.

شرح کوتاه

یکی از بزرگترین عیوب انسان جدایی «اعتقاد» و «عمل» اوست، دم از عقیده به چیزی می زند اما عملاً اثری از آن اعتقاد از او دیده نمی شود.

ایمان به خدا دارد، اما مراقبت دائمی او را در اعمال خویش عملاً منکر است، عقیده به دادگاه بزرگ خدا در رستخیز دارد اما عملاً هیچ گونه آمادگی اخلاقی برای آن ندارد.

پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) را بزرگترین پیامبر، و امیرمؤمنان علی(علیه السلام) را بالاترین مولا و رهبر، می داند اما کمترین

شبهاتی از نظر اعمال با آنها ندارد، خلاصه عقیده او در مسیری است و اعمال او در مسیر دیگر!

۱. تحف العقول، صفحه ۲۰۲.

مجازات های خدا!

امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ عُقُوبَاتٌ فِي الْقُلُوبِ وَالْأَبْدَانِ:

ضَنْكُ فِي الْمَعِيشَةِ وَوَهْنٌ فِي الْعِبَادَةِ وَمَا ضُرِبَ عَبْدٌ بِعُقُوبَةٍ أَعْظَمُ مِنْ قَسْوَةِ الْقَلْبِ! (۱)

ترجمه

خداوند مجازات هایی (در برابر گناهان و نافرمانی ها) دارد در روح و جسم؛ تنگی معیشت، سستی در عبادات، ولی خدا هیچ بنده ای را مجازاتی شدیدتر از سنگدلی نکرده است!

شرح کوتاه

مجازات های الهی در حقیقت عکس العمل های اعمال، و آثار و نتایج گناهان آدمی است، گاهی این عواقب سوء به صورت وضع نابسامان زندگی مادی و گاهی در شکل محرومیت از نشاط در عبادت و راز و نیاز با معبود، خودنمایی می کند، ولی از همه مهم تر و خطرناک تر آن است که عکس العمل جنایات و اعمال زشت آدمی به صورت قساوت قلب و سنگدلی بروز کند، و قلب آدمی را از عواطف انسانیّت و هرگونه نوع دوستی و همدردی خالی سازد که این خود سرچشمه بسیاری از گناهان و جنایات دیگر است.

۱. تحف العقول، صفحه ۲۱۷.

درس صد و بیست و هشتم

یک حقیقت فراموش شده

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ يَقِينًا لَا شَكَّ فِيهِ أَشْبَهُ بِشَكِّ لَا يَقِينَ فِيهِ مِنَ الْمَوْتِ! (۱)

ترجمه

خداوند یقینی که هیچ گونه شک در آن نباشد همانند مرگ نیافریده که گویی شکی است که هرگز در آن یقین وجود ندارد!

شرح کوتاه

چه جمله عجیبی، و چه تعبیر گویایی از بی خبری انسان از پایان زندگی و مرگ!

انسان در هر چیز تردید کند در این که این زندگی به هر حال پایانی دارد و باید به نقطه پایان آن برسد تردید نخواهد کرد حتی آنها که به هیچ مذهب و مسلک و مکتبی پایبند نیستند.

اما انسان به قدری خود را در برابر این موضوع به کرگوشی و بی خبری می زند چنان که گویی نه مرگی در کار است و نه پایانی برای زندگی! و به همین جهت خود را برای استقبال از آن با ایمان و عمل صالح و پاکی و تقوا آماده نمی کند، ولی بیایید واقع بین باشیم و در هر شرایط سن و سالی هستیم چنان پاک باشیم که هر لحظه زندگی ما پایان گیرد شرمنده نباشیم.

۱. تحف العقول، صفحه ۲۷۱.

درس صد و بیست و نهم

جایگاه علم و حکمت

امام کاظم(علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ الزَّرْعَ يَنْبُتُ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبُتُ فِي الصَّفَا فَكَذَلِكَ الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَلَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ! (۱)

ترجمه

زراعت در زمین های نرم می روید، نه روی سنگ ها! همچنین علم و حکمت تنها در قلب متواضعان جوانه می زند نه در قلب

متکبران جبار!

شرح کوتاه

نخستین گام در راه تحصیل دانش فروتنی است، فروتنی در برابر حق، فروتنی در برابر استاد، و در برابر هرکس که بیشتر از انسان می داند و می تواند چیزی به او بیاموزد.

به همین دلیل «جهل» و «تکبر» معمولاً قرین و همراه یکدیگرند، متکبران حاضر به اعتراف به جهل نیستند، و حتی اگر واقعیتی با روح غرور و تکبر آنها نسازد نه تنها آن را انکار می کنند بلکه با آن به مبارزه بر می خیزند، سخن حق را از افراد هم ردیف یا پایین تر از خود نمی پذیرند، و غالباً در جهل مرکب می مانند.

۱. تحف العقول، صفحه ۲۹۶.

درس صد و سی ام

وظایف سنگین امام(علیه السلام)

امام علی ابن موسی الرضا(علیه السلام) می فرماید:

الْإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلْقِهِ وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَخَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَالِدَاعِي إِلَى اللَّهِ وَالذَّابُّ عَنْ حَرِيمِ اللَّهِ. (۱)

ترجمه

امام امین خدا در زمین و در میان خلق خدا، و حجت او بر بندگان و جانشین او در شهرها، و دعوت کننده به سوی خدا، و مدافع

حریم الهی است.

در این حدیث که بخشی از حدیث طولانی در زمینه معرفی مقام امامت است، به پنج قسمت از وظایف سنگین و مهم اشاره شده:

۱- امام خزانه دار و امین وحی، و حافظ تمام علوم و احکام و معارف دین است.

۲- امام دلیل زنده و گواه روشن و معرف آیین خداست.

۳- امام سرپرست و زمامدار الهی و نماینده او در میان مردم است.

۴- امام آمر به معروف و ناهی از منکر و بزرگترین مبلغ دین است.

۵- امام مدافع از حریم آیین خدا در برابر همجوش دشمنان است. و چنین کسی باید دارای علم الهی و مقام عصمت باشد و جز خدا

نمی تواند او را تعیین کند.

۱. تحف العقول، صفحه ۳۲۸.

درس صد و سی و یکم

درهای بسته باز می شود

امام محمد تقی(جواد)(علیه السلام) می فرماید:

لَوْ كَانَتْ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ رَتْقًا عَبْدْتُ ثُمَّ اتَّقَى اللَّهُ تَعَالَى جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهَا مَخْرَجًا (۱)

ترجمه

اگر درهای آسمان و زمین به روی کسی بسته شود سپس او پرهیزگاری پیشه کند خداوند گشایشی در کار او می دهد.

شرح کوتاه

گاه می شود که در زندگی تمام درها به روی انسان بسته می شود و به هر طرف رو می کند با مشکل یا مشکلاتی روبه رو می

شود.

این گونه رویدادها فرصتی است برای بیدار شدن انسان ها و بازگشت او به سوی خدا، بازگشتی سازنده و تغییر دهنده سرنوشت، در

این هنگام اگر از جان و دل متوجه او گردد و از ذات پاکش مدد گیرد، امدادهای الهی به سراغ او آمده و نسیم های رحمت پروردگار

او را در آغوش می کشند و از راه هایی که هرگز باور نداشت درهای بسته گشوده می شود.

۱. نورالابصار، صفحه ۱۵۰.

درس صد و سی و دوم

از افراد بی شخصیت بترس!

امام علی بن محمد تقی (هادی)(علیه السلام) می فرماید:

آن کسی که شخصیتی برای خود قائل نیست از شر او برحذر باش!

شرح کوتاه

در حقیقت یکی از مهم ترین عواملی که جلو فساد و بدکاری را می گیرد وجود شخصیت یا لااقل احساس شخصیت است، افراد با شخصیت یا آنها که برای خودش شخصیتی قائلند هر چند در نظر دیگران چندان شخصیتی نداشته باشند، به خاطر حفظ موقعیت خود هم که باشد از انجام بسیاری از زشتکاری ها و اعمال خلاف خودداری می کنند، ولی همین که احساس کردند نه آبرویی دارند و نه احترام و شخصیتی، از هیچ چیز پروا نخواهند کرد.

لذا امام(علیه السلام) می فرماید از این گونه افراد بپرهیز!

و نیز به همین دلیل یکی از نکات مهم تربیت فرزند یا تربیت افراد انسان به طور کلی این است که در آنها ایجاد شخصیت شود و احساس کنند شخصیت ویژه ای دارند، به عکس خرد کردن شخصیت افراد اثر بسیار بدی از لحاظ تربیتی دارد.

۱. تحف العقول، صفحه ۳۶۲.

درس صد و سی و سوم

جهاد بزرگ

امام حسن عسکری(علیه السلام) می فرماید:

أَشَدَّ النَّاسِ اجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ (۱)

ترجمه

از همه مردم مجاهدتر کسی است که گناهان را ترک گوید.

شرح کوتاه

می دانیم مبارزه با هوا و هوس های سرکش که سرچشمه اصلی گناهان است؛ در اسلام به نام «جهاد اکبر» نامیده شده است که از مبارزه با دشمنان مهم تر و پر ارج تر است. چرا که این جهاد وسیله خودسازی است و تا خودسازی انجام نگیرد پیروزی نیست؛ زیرا شکست ها غالباً نتیجه نقطه ضعفهاست.

در محیط های آلوده به گناه ارزش این جهاد آشکارتر و اهمیت آن در پیشبرد اهداف اجتماعی روشنتر است.

پیروزی های پیامبر(صلی الله علیه وآله) در «مدینه» در حقیقت نتیجه مستقیم خود سازی ها و مجاهدات اصحاب در «مکه» بود.

۱. بحارالانوار، جلد ۷۸، صفحه ۳۷۳.

أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا(۱)

ترجمه

در حوادث گوناگونی که در دروان غیبت کبری پیش می آید به راویان احادیث ما مراجعه نمایید.

شرح کوتاه

اجتماعات انسانی بدون رهبری صحیح سامان نمی یابند به همین دلیل خداوند هیچ گاه بندگان خود را به حال خود، بدون سرپرست، وا نگذارده و همیشه رهبران الهی در میان آنها رفت و آمد داشته اند.

حتی در زمان غیبت ولی عصر حضرت مهدی (ارواحنا فداه) نخست نایبان خاص و پس از پایان دوران آنها، نایبان عام برای رهبری مردم از طرف خود آن حضرت تعیین شدند، مردانی مصمم و با ایمان و آگاه که به خوبی به محتوای بزرگ کتاب آسمانی مسلمین قرآن، و به سنت پیامبر(صلی الله علیه وآله) و مکتب اهل بیت(صلی الله علیه وآله) آشنایی دارند عهده دار این رسالتند؛ و هر کس به هر نام و هر عنوان دیگری خود را شایسته این مقام بداند مردود است.

۱. قسمتی از توقیع معروف که در کتب مختلف آمده است.

سرچشمه بدی ها

پیامبر(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

اجْتَنِبِ الْخَمْرَ فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ(۱)

ترجمه

از شراب بپرهیز که کلید تمام بدیهاست.

شرح کوتاه

با این که در زمینه آثار زیان بار شراب کتاب ها و مقالات فوق العاده زیاد نوشته شده، و اثرات مرگبار آن روی دستگاه های عصبی، قلب، عروق، جهاز گوارش، کبد، کلیه ها و تمام اورگانیزم بدن تشریح شده و نتایج شوم آن در ایجاد حوادث دردناک اجتماعی با آمار و ارقام تکان دهنده مورد بررسی هزاران دانشمند و مغز متفکر انسانی قرار گرفته، امار جمله ای به کوتاهی و جامعیت حدیث ارزنده پیامبر بزرگ ما نمی توان پیدا کرد که همه حقایق را در یک جمله کوتاه بیان فرموده است.

آری، شراب کلید همه بدی‌ها، زشتی‌ها و بدبختی‌هاست.

۱. نهج الفصاحه، صفحه ۱.

درس صد و سی و ششم

انجام وظیفه بزرگترین عبادت است

امام سجاد(علیه السلام) می فرماید:

مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ (۱)

ترجمه

هرکس به وظایف لازم خود عمل کند از عابدترین مردم خواهد بود.

شرح کوتاه

عبادت نه منحصر به خدمت خلق است و نه منحصر به نماز و روزه؛ بلکه بزرگترین عبادت آن است که هرکس به وظایف واجب خود در هر قسمت عمل کند، چه عبادتی از این بالاتر و پرشکوه‌تر، عبادتی که می‌تواند یک جامعه را گلستان کند و هرگونه خیر و سعادت را به ارمغان بیاورد. انجام فرایض مفهوم وسیعی دارد که واجبات عبادی را شامل می‌شود. همان‌طور که وظایف اجتماعی و انسانی و خدمات فرهنگی و اقتصادی لازم را در بر می‌گیرد و به این ترتیب بیگانگی اسلام از عمل کسانی که وظایف لازم خود را رها کرده و به انجام مستحبات می‌پردازند و خود را عابد می‌شمرند روشن می‌شود.

۱. وسایل الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ۲۰۶.

درس صد و سی و هفتم

ساکنان ستارگان

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

هَذِهِ النُّجُومُ الَّتِي فِي السَّمَاءِ مَدَائِنٌ مِثْلُ الْمَدَائِنِ الَّتِي فِي الْأَرْضِ مَرْبُوطَةٌ كُلُّ مَدِينَةٍ إِلَى عَمُودٍ مِنْ نُورٍ (۱)

ترجمه

این ستارگانی که در آسمان هستند شهرها (و آبادی‌هایی) همچون شهرهای زمینند، هر شهری از آنها با ستونی از نور (با شهرهای دیگر) پیوسته است.

شرح کوتاه

بسیار خود خواهانه است که ما تصور کنیم تنها کره مسکونی جهان، کره زمین ماست و میلیون‌ها میلیون کرات آسمانی همه بایر و خاموش و خالی از سکنه‌اند.

دانشمندان امروز با محاسباتی که روی وجود شرایط حیات و زندگی در کرات آسمانی کرده اند قطع دارند که میلیون ها یا صدها میلیون از این کرات دارای ساکنانی هستند که به احتمال قوی بسیاری از آنها تمدن هایی پیشرفته تر و به مراتب عالی تر از تمدن ساکنان زمین دارند؛ زیرا آغاز حیات در آنها هزاران یا میلیون ها سال قبل از کره زمین بوده است. حدیث بالا یکی از معجزات علمی امیر مؤمنان است که چهارده قرن پیش بیان فرموده است.

۱. سفینه البحار، جلد ۳، صفحه ۵۷۴.

درس صد و سی و هشتم

قرآن و قانون جاذبه

علی بن موسی الرضا(علیه السلام) به یکی از دوستان خود فرمود:

أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا؟

فَقُلْتُ: بَلَىٰ

قَالَ: ثُمَّ عَمَدٌ، لَكِنْ، لَا تَرَوْنَهَا! (۱)

ترجمه

آیا خدا نمی فرماید که آسمان بدون ستونی که دیده شود برپاست؟

گفتم: آری

فرمود: بنابراین ستونی وجود دارد که نامرئی است و شما آن را نمی بینید!

شرح کوتاه

امروز مسلم است که کرات آسمانی در مدارهای خود به برکت تعادل نیروی جاذبه و دافعه برپا هستند، جاذبه همچون زنجیر عظیمی آنها را به سوی هم می کشاند و نیروی گریز از مرکز آنها را از هم فرار می دهد و تعادل کامل آنها سبب شده که میلیون ها سال بدون کمترین تغییری در مدار خود بگردند و در فضای بیکران روی این ستون نامرئی تکیه کنند و معلق بمانند. آیا در آن زمان که هنوز پرده ای از روی این اسرار برداشته نشده بود تعبیری رساتر از تعبیر فوق برای بیان این حقیقت وجود داشت؟ و آیا این از معجزات علمی پیشوایان بزرگ ما نیست؟!

۱. تفسیر برهان، جلد ۳، صفحه ۲۷۸.

درس صد و سی و نهم

راز کارها!

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

به وسیله کوه ها از لرزش و تکان خوردن زمین جلوگیری نمود.

شرح کوتاه

امروز ثابت شده همان طور که جاذبه ماه در جزر و مد دریاها مؤثر است و آب آنها را دوبار، در شبانه روز، به تفاوت، یک متر و بیشتر و حتی در بعضی از نقاط پانزده متر! بالا و پایین می برد، روی پوسته جامد زمین مؤثر است و آن را به مقدار ۳۰ سانتی متر بالا می کشد سپس به پایین برمی گردد، ولی استحکام پوسته زمین به خاطر وجود کوه ها که ریشه های آن به هم متصل شده و شبکه زره ماندی دور زمین ایجاد کرده مانع از تأثیر بیشتر آن می گردد.

راستی اگر کوه ها وجود نداشتند و پوسته زمین نرم بود و شب و روز در جزر و مد بودند آیا آرامشی برای ما وجود داشت؟ این حقیقت را پیشوایان اسلام از ۱۴ قرن پیش بیان کردند.

۱. نهج البلاغه خطبه ۱.

درس صد و چهلم

جانداران ذره بینی

امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) می فرماید:

أَمَّا قُلْنَا «اللَّطِيفُ» لِلْخَلْقِ اللَّطِيفِ ... وَ مَا لَا يَكَادُ عَيْوُنَا تَسْتَبِينَهُ لِدِمَامِهِ خَلْقِهَا، لَا تَرَاهُ عَيْوُنَا وَ لَا تَلْمُسُهُ أَيْدِينَا! (۱)

ترجمه

این که به خدا لطیف می گوئیم به خاطر آفرینش موجودات بسیار کوچک و ظریف است ... حیواناتی که چشم ما آنها را از شدت کوچکی نمی بیند و دست ما آن را احساس نمی کند!

شرح کوتاه

آنچه در بالا می بینید گوشه کوچکی از حدیث مفصلی است که «فتح بن یزید جرجانی» از امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) نقل کرده، و در ضمن آن تصریح شده «این حیوانات بقدری کوچکند که به هیچ وجه احساس نمی شوند، در میان امواج دریاها و در میان پوست های درختان و در بیابان ها و دشت ها پراکنده اند».

این حدیث در کتاب هایی که حدود یکهزار سال پیش نوشته شده از آن امام(علیه السلام) به یادگار مانده و صدها سال پیش از آن که «پاستور» حیوانات ذره بینی را کشف کند صادر شده است، و این یک معجزه علمی روشن است.

۱. کتاب وافی، جلد ۱، صفحه ۱۰۶.

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، مَسَاجِدُهُمْ يَوْمئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ، خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى (۱)

ترجمه

زمانی بر مردم فرا می رسد که در میان آنها از قرآن جز خط به نقوش، و از اسلام جز اسمی باقی نماند، مساجد مسلمین در آن روز از نظر بنا آباد ولی از نظر هدایت ویران خواهد بود!

شرح کوتاه

نمی توانیم بگوییم این پیشگویی عجیب، امروز، کاملاً مصداق پیدا کرده، و یا مربوط به آینده است، ولی این قدر مسلم است که نمونه هایی از آن را در گوشه و کنار با چشم خود می بینیم، و تعجب در این است که چنین مسلمانانی از عقب ماندگی ناله و شکوه دارند، گویا چنین می پندارند تنها «اسم اسلام» و «رسم قرآن»، برای همه چیز آنها کافی است، نه قرآن را به عنوان یک کتاب تربیت و انسان سازی پذیرفته و به کار بسته اند، و نه اسلام را به عنوان «مذهب» یعنی روش فکری و عملی؛ کدام جامعه مسلمان واقعی را سراغ داریم که عقب مانده باشد و جهان در برابرش تعظیم ننموده باشد!

۱. کلمات قصار، کلمه ۳۶۹.

درس صد و چهل و دوم

میزان سنجش عقل و جهل

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می فرماید:

اللِّسَانُ مِغْيَارُ إِطَاشَةِ الْجَهْلِ وَأَرْجِحَةُ الْعَقْلِ (۱)

ترجمه

زبان معیار سنجش طغیان جهل و ترازوی عقل و خرد است.

شرح کوتاه

مهم ترین دریچه روح آدمی و کلید شخصیت او، بهترین وسیله برای ارزیابی میزان خرد هر انسان زبان اوست. زبانی که با یک چرخش ساده و به ظاهر کم اهمیت پرده ها را کنار می زند و زوایای روح انسان را آشکار می سازد.

به همین دلیل بسیاری از دستورهای اسلام بر محور اصلاح زبان دور می زند و کراراً در گفتار پیشوایان بزرگ ما در این زمینه اخطار و اعلام خطر شده است، و بدیهی است اصلاح کامل زبان بدون اصلاح روح و فکر ممکن نیست، ولی با سکوت و خویشتن داری می توان بسیاری از عواقب دردناک حرکات ناموزون زبان پیروز شد.

۱. تحف العقول، صفحه ۱۴۳.

درس صد و چهل و سوم

بالا تر از نعمت

امام هادی(علیه السلام) می فرماید:

الشَّاكِرُ أَسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنَّعْمَةِ الَّتِي أَوْجَبَتِ الشُّكْرَ لِأَنَّ النَّعْمَ مَتَاعٌ وَالشُّكْرَ نِعْمٌ وَ عُقْبَى (۱)

ترجمه

آن کس که شکر نعمت گوید سعادتش به خاطر شکرش از سعادتش به خاطر آن نعمت بیشتر است، زیرا نعمت ها وسیله زندگی این جهانند و شکر سرمایه این جهان و آن جهان.

شرح کوتاه

با توجه به این حقیقت که شکر تنها قدردانی با زبان نیست؛ بلکه قدردانی عملی است و هر نعمتی را به جا مصرف کردن، روشن می شود که شکر نعمت، برکات و سعادت هایی به بار می آورد که خود نعمت در برابر آن ناچیز است، نعمت ها را در مسیر رضای خدا و خشنودی بندگان او به کار گرفتن، هم سرمایه افتخار این جهان و هم سعادت جاویدان آن جهان است؛ در حالی که اگر به نعمت بنگری به تنهایی ممکن است جز یک موهبت مادی نباشد پس شکر از خود نعمت بالاتر و ارزنده تر است!

احیای مکتب اهل بیت

امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) می فرماید:

مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ (۱)

ترجمه

هر کس در مجلسی بنشیند که احیای مکتب ما، در آن می شود دلش نمی میرد آن روز که دل ها می میرند!

شرح کوتاه

از جمله بالا بخوبی روشن می شود که وظیفه حتمی پیروان اهل بیت این است که در جلسات خود برنامه های آنها را احیا کنند، مکتبشان را بشناسند، روح سخنانشان را دریابند، به تعلیمات آنان آشنا شوند و مجلس آنها مجلس سازندگی و آمادگی و حیات

زندگی باشد نه جلسه سرگرمی و تنها حاجت طلبی و به دردها و خواست های شخص اندیشیدن، و مسائل انسانی و اجتماعی و عقیدتی را نادیده گرفتن، چنین مجلسی موجب زنده شدن دل ها و بیداری افکار است.

۱. میراث امامان، صفحه ۴۴۳.

درس صد و چهل و پنجم

امانت در حفظ اسرار

پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ بِحَدِيثٍ، ثُمَّ التَّفَتَ فِيهَا أَمَانَةٌ (۱)

ترجمه

هنگامی که کسی سخنی بگوید، سپس به اطراف خود بنگرد، آن سخن امانت و سر است (و باید در حفظ آن کوشید).

شرح کوتاه

امانت انواع گوناگونی در اسلام دارد و از آن جمله امانت در حفظ اسرار مردم است، این موضوع بقدری از نظر اسلام مهم تلقی شده که افشای اسرار مردم از گناه کبیره معرفی گردیده، تازه برای اثبات «سر» بودن لزومی ندارد گوینده خواهش و تمنا و تأکید کند که این از اسرار است و نزد خودت باشد؛ بلکه به کمترین چیزی برای تفهیم این حقیقت قناعت شده است، همین اندازه که نگاه به اطراف کند و مراقب عدم وجود شخصی دیگری باشد کافی است که سخنان او به عنوان اسرار برادر مسلمان و امانت نگاهداری شود.

۱. نهج الفصاحه، صفحه ۳۸.

درس صد و چهل و ششم

نشانه ایمان

پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

إِذَا سَرَّتْكَ حَسَنُكَ وَسَأَتَكَ سَيِّئُتَكَ فَأَنْتَ مُؤْمِنٌ (۱)

ترجمه

هنگامی که کار نیکت تو را خوشحال و کار بدت تو را ناراحت کند فرد با ایمانی هستی.

شرح کوتاه

اسلام می گوید همه با فطرتی پاک متولد می شوند، فطرت ایمان و عشق به نیکی ها، آلودگی ها و گناهان ممکن است تدریجاً روح و جان انسان را تحت تأثیر خود قرار دهد و به رنگ خود درآورد، و بکلی منقلب سازد؛ اما تا آن زمان که انسان نسبت به نیکی ها علاقمند و از بدی ها متنفر است معلوم می شود که هنوز روح ایمان و فطرت پاک نخستین در او باقی است.

بیچاره مردمی که نه تنها از اعمال بدشان ناراحت نمی شوند، بلکه به آن هم افتخار می کنند؛ و یا هنگامی که فداکاری، نیکوکاری، گذشت و عدالتی نشان می دهند نشان می دهند احیاناً از کرده خود پشیمان هم می شوند آنها افراد بی ایمانی هستند.

۱. نهج الفصاحه، صفحه ۴۱.

درس صد و چهل و هفتم

نخستین شرط در هر کار

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) به کمیل فرمود:

مَامِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ (۱)

ترجمه

هیچ حرکت و کاری نیست مگر این که در انجام آن! نیازمند به آگاهی و آشنایی و معرفت هستی.

شرح کوتاه

اگر در وسعت مفهوم «ما من حركة» بیندیشیم به وسعت برنامه های اسلامی آشنا خواهیم شد که اسلام تنها یک رشته عبادات و نیایش ها نیست، و یا تنها عقیده خالی از برنامه های عملی نیست؛ بلکه برای تمام زندگی فردی و سراسر مسائل اجتماعی و همه تلاش ها و کوشش های انسانی برنامه دارد، که نخستین ماده آن آگاهی و شناخت واقعیات است، و بدون معرفت کافی و بدون جهت گیری صحیح، حرکات و تلاش ها را بی اثر و حداقل کم اثر می داند.

۱. سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۱۵.

درس صد و چهل و هشتم

اهمیت میهمان

پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا أَهْدَىٰ إِلَيْهِمْ هَدِيَّةً.

قَالُوا وَمَا تِلْكَ الْهَدِيَّةُ؟

قَالَ: الضَّيْفُ (۱)

ترجمه

هرگاه خداوند خیر و سعادت کسانی را بخواهد هدیه ای به آنها اهدا می کند. عرض کردند چه هدیه ای؟ فرمود: میهمان.

شرح کوتاه

آری میهمان هدیه پروردگار است هدیه ای است پر ارزش و گرامی. اما در دنیای مادی که همه عواطف تحلیل رفته، میهمان مفهومی ندارد. بلکه یک موجود مزاحم و بیگانه و عزیز بی دلیل است، لذا کمتر دیده می شود کسی به میهمانی برود یا دیگری را به میهمانی دعوت کند مگر این که روابط مادی و تجاری و سیاسی آنها ایجاب کند.

در حالی که در کشورهای اسلامی و در میان خانواده هایی که سنن دینی نزد آنها زنده است، میهمان، هرچند هیچ گونه آشنایی نداشته باشند عزیز و گرامی است و هدیه خدا.

۱. بحارالانوار، جلد ۱۵، صفحه ۲۴۱.

درس صد و چهل و نهم

احترام و محبت

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا وَلَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا (۱)

ترجمه

آن کس که نسبت به بزرگترها احترام نگذارد و به کوچکترها محبت نکند از ما نیست.

شرح کوتاه

جامعه انسانی همانند کاروان پردامنه ای است که دائماً در حرکت است، نوزادانی از مادر متولد می شوند، کودکان بزرگ، و بزرگ ها پیر پیران از دنیا می روند، و هیچ کس از این ره سپردن مستثنا نیست.

در این میان بزرگترها معمولاً تجربه بیشتر و بینش عمیق تر دارند و در دوران عمر خویش - چنانچه وظیفه شناس بوده اند - منشأ خدمات فراوانتری شده اند و تمام محاسبات حکم می کند که مورد احترام باشد و جوانان و نوجوانان حرمت آنان را نگهدارند. و کوچک ترها چون نورسند و در آغاز زندگی، باید مورد محبت قرار گیرند و با دلسوزی کامل پایه های سعادتشان به دست بزرگترها گذارده شود، و این است راه و رسم یک جامعه انسانی و مترقی.

۱. اصول کافی، جلد ۳، صفحه ۲۵۳.

درس صد و پنجاهم

این چنین برای خود ذخیره کن

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:

مَا تَقَدَّمَ مِنْ خَيْرٍ يَبْقَى لَكَ ذُخْرُهُ وَ مَا تَوَخَّرَهُ يَكُنْ لِغَيْرِكَ خَيْرُهُ (۱)

ترجمه

آنچه پیش از خود بفرستی برای تو ذخیره می شود و آنچه تأخیر بیندازی فایده اش تنها برای دیگران است (و مسؤولیتش متوجه توست).

شرح کوتاه

جنون ثروت اندوزی در دنیای امروز بیش از هر وقت دیگر به چشم می خورد؛ بدون این که حساب کنند هدف اصلی و فلسفه ثروت چیست؟

آنها که دیوانهوار در فکر جمع ثروتند و حتی کمترین توجهی به طرق آن از نظر حلال و حرام و ظلم و عدالت ندارند هیچ فکر نمی کنند ثروت‌های کلان را نه با خود می توان برد، نه همه آن را می توان خورد، جز باری سنگین بر دوش صاحب آن نیست، جمع کردن و گذاشتن و رفتن، سپس تمام مسؤولیت های آن را بدوش کشیدن.